

سه انتقاد از لایحه بازسازی

■ هیات‌های بدوی و تجدیدنظر تنها وظیفه خود را " اخراج " کارمندان خاطی می‌دانند و آنها به انجام تحول انقلابی در سیستم پیچیده دیوان‌سالاری محمدرضا شاهی و کاهش جدی تعداد کارکنان ادارات دولتی کاری ندارند. حال آنکه مسأله اصلی منقبض کردن دستگاه اداری محمدرضا شاهی است.

■ لایحه پاکسازی کوچک‌ترین توجهی به آینده و سرنوشت اخراج‌شدگان از ادارات نمی‌کند. لایحه باید طبق نص صریح ماده ۲۸ قانون اساسی تعهد تامین شغل مناسب برای اخراج‌شدگان را در صنایع و کشاورزی و خدمات برعهده گیرد.

■ بند ۱ ماده ۱۸ لایحه سمت تفتیش عقاید دارد و خلاف اصل ۲۳ قانون اساسی است به علاوه آیا موجب سرافکنندگی نخواهد بود که بدانند لایحه بازسازی راه را باز کرده است که دستگاه دولتی، رستاخیزی‌ها را به انقلابیون کمونیست ترجیح دهند؟ قید و بند ماده ۱۸ در این لایحه واقعا تاسف‌آور است.

در صفحه ۲

تجاوز به قلمرو لیبی، نشانه تصمیم امریکا به دخالت مستقیم نظامی در منطقه است

در صفحه ۱۲

مردم از دولت به حسای وعده عمل نمی‌خواهند

■ کوشش در جهت برقراری نظام اقتصادی - اجتماعی نوین متکی و در خدمت محرومین جامعه از طریق خلع ید از مواضع اقتصادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته، اجرای قاطعانه و انقلابی اصلاحات ارضی به‌ویژه بند " ج " و " د " آن، ملی کردن تجارت خارجی، ایجاد و گسترش تعاونی‌های توزیع، ادامه پیگیری ملی کردن صنایع، برقراری امنیت اجتماعی و فردی و در یک کلام اجرای کامل قانون اساسی و تامین عدالت اجتماعی، این است وظیفه عاجل و اصلی مرحله کنونی انقلاب و دولت برخاسته از آن.

در صفحه ۱۴

کنفرانس اوپک

به خاطر سیاست ارتجاعی عربستان سعودی بدون نتیجه پایان گرفت

در صفحه ۱۸

جبهه اسلامی ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی

گام مثبتی است مشروط بر اینکه...

● در شرایط کنونی راه درست و اصولی برای آزادسازی قدس و سرزمین فلسطین و تشکیل یک دولت مستقل فلسطین، حمایت همه‌جانبه و فعال دولت ایران از جبهه پایداری و تقویت همه‌جانبه آن است. دولت ایران باید از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین قاطعانه حمایت کند دولت ایران باید هر نوع تفرقه‌اندازی میان مبارزان راه آزادی فلسطین را و میان نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی را قاطعانه افشاء و محکوم کند. در صفحه ۲

جرج بال:

"از رجوی بیشتر حمایت کنیم
او دوست ماست"

اینست حاصل دردناک
خیانت رهبری مجاهدین

■ جرج بال معاون اسبق وزیر خارجه امریکا از دولت ریگان خواسته است که بر حمایت‌های خود از مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق بیفزاید. جرج بال که بزرگ‌ترین کارشناس مسائل ایران در کاخ سفید است، در پائیز ۵۷، در آستانه پیروزی انقلاب مردم ایران ۵ طرح برای توقف و شکست انقلاب به دولت کارتر ارائه داده بود.

■ جرج بال به‌مثابه یک استراتژ برجسته امپریالیسم که طراح نقشه‌های شوم متعددی برای محافظت از منافع غارتگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا است، به خوبی می‌داند سیاستی که رهبری مجاهدین اتخاذ کرده است، منافع امریکا را تامین می‌کند. از این رو حمایت بیشتر از مجاهدین را به دولت ریگان با " صمیمیت تمام " توصیه می‌کند.

در صفحه ۳

متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

" لایحه بازسازی نیروی انسانی وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت " یکی از مهمترین لوایحی است که هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است . کلیات و بخشی از مواد آن نیز از تصویب گذشته است .

از آنجا که این لایحه در سرنوشت انقلاب تاثیراتی بسیار جدی برجای می‌نهد ، بررسی جوانب مختلف مساله بازسازی دستگاه دولتی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد مساله تنها به آینده صدها هزار کارمند و حقوق‌بگیر دولت مربوط نمی‌شود ، مسئله به سرنوشت انقلاب بازمی‌گردد .

" بازسازی " و پیشرفت انقلاب

تحولات سیاسی ماه‌های اخیر و پیروزی‌های قاطع نیروهای مدافع انقلاب بر خط‌سازش راه را برای تثبیت جمهوری اسلامی ایران با مضامینی مندرج در قانون اساسی هموار گردانید علی‌رغم تمام هوجبگیری‌های تروریست‌ها و لیبرال‌ها در مورد " قرار گرفتن جمهوری اسلامی در آستانه سقوط " و " فرار سیدن آستانه قیام خلق " جمهوری اسلامی ایران محکم‌تر از همیشه رو به تثبیت می‌رود . تناسب قوا بی‌شش از پیش به سود جناح‌های رادیکال پیرو خط مردمی و ضدامپریالیستی امام خمینی تغییر کرده است . امکان غلبه نیروهای ضدانقلابی و سازشکار از هر زمان دیگر کمتر است . امپریالیسم و ضدانقلاب اکنون از هر زمان دیگر مایوس‌ترند . آنها به تروریسم به انتحار دسته‌جمعی روی آورده‌اند .

حکومت جمهوری اسلامی بیش از پیش در ید اختیار نیروهای مدافع رهبری انقلاب قرار گرفته است . مرحله براندازی حکومت طاغوت (کسب قدرت) را پشت سر گذاشته‌ایم و مرحله تثبیت آن (سرکوب ضد - انقلاب و به زیر کشیدن جریان‌های لیبرالی و سازشکار و قبضه تمام قدرت) نیز رو به اتمام می‌رود . اکنون مرحله نوینی آغاز می‌شود که مضمون آن قبل از هر چیز نوسازی اجتماعی - اقتصادی و انجام تحولات بنیادین به سود نیروهای است که انقلاب را به ثمر رسانیده است

کندن ریشه بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری و ملی کردن بازرگانی خارجی و بنیان‌گذاری و گسترش صنایع مادر و نیل به استقلال ملی واقعی مقابله جدی با تورم و رکود و گام نهادن در راه نجات توده‌های محروم کارگران و زحمتکشان شهرها و دهات از قید بی‌سوادی ، بی‌خانمانی ، بیکاری ، بی‌بهداشتی از اهم وظایفی است که امروز فراروی انقلاب قرار گرفته است . انقلاب امروز باید به اعماق جامعه

برود . و اگر نرود در بن‌بست سرمایه‌داری اسیر می‌شود . بن‌بستی که بنا به تجربه تمام کشورها تمام دستاوردهای انقلاب را بر باد می‌دهد . شکست انقلاب است .

اما این وظایف چگونه می‌تواند انجام شود ؟ آنارشیست‌ها معمولا درباره ضرورت انجام این تحولات زیاد حرف می‌زنند ، اما هیچ راه حل مشخصی را برای انجام آن ارائه نمی‌دهند . امروز دیگر تجربه دهها انقلاب شکست‌خورده و پیروزمند به ما فهمانیده است که بدون یک دستگاه دولتی محکم و نیرومند و فعال که تمام تاروپودش از نیروهای باشد که انقلاب را به ثمر رسانیدند انجام دگرگونی‌های اجتماعی به سود طبقات انقلابی جامعه مطلقا نامیسراس است .

دستگاه دولتی باید از بن دگرگون شود .

این از اساسی‌ترین اعتقادات مارکسیست‌هاست که انقلاب بدون درهم شکستن نظامات حکومتی سابق و نوسازی آن هرگز به پیروزی قطعی دست نخواهد یافت . بدون تحولات بنیادین در نظامات تحول و دگرگونی در نظامات اجتماعی - اقتصادی غیر ممکن است . بسیاری از این ادارات که از سابق مانده‌اند دستگاه‌هایی نیستند که برای انقلاب تربیت‌شده باشند . انجام دگرگونی‌های بنیادین در نظامات دولتی کنونی ایران که از رژیم سابق مانده‌اند ، از این نظر امری

کاملا ضروری و مبرم است که دستگاه بوروکراسی در کشورهای (مثل ایران) که راه رشد سرمایه‌داری را در پیش می‌گیرند ، روز به روز متورم‌تر می‌شود . سیاست‌های ضد مردمی و ضد ملی این حکومت‌ها از دستگاه دولتی ، ماشین عریض و طویلی می‌سازد که هر روز بیشتر باد می‌کند و سهم بیشتری از بودجه جاری را می‌بلعد و کار کمتری انجام می‌دهد . این دولت‌ها چون اتکایی

به مردم ندارند برای حفظ منافع سرمایه‌داران بزرگ مجبورند دستگاه بوروکراسی و ارتش را گسترش دهند و هرچه بیشتر به آن متکی شوند . دستگاه دولتی رژیم شاه طی دو دهه ونیم به ماشین عظیمی با صدها هزار پرسنل تبدیل شد که بخش عظیمی از درآمدهای ملی را می‌بلعد بی‌آنکه حتی نیمی از آن درآمد را از طریق کار خود ، به توده‌های وسیع مردم بازگرداند . سیاست ضدانقلابی رژیم شاه موجب پدیدار شدن قشر ضخیم مصرف‌کننده‌ای شد که خیلی زیاد می‌گرفت اما خیلی کم تولید می‌کرد . طی دو دهه و نیم فاصله طبقاتی میان سطح زندگی ، بخش وسیعی از کارکنان دولت و سطح زندگی کارگران و دهقانان زحمتکش چندین برابر شد . رژیم شاه به هزینه کارگران و دهقانان که تولید کنندگان اصلی جامعه‌اند برای حفظ و ادامه غارتگری کلان سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها پیوسته دستگاه اداری و ارتش خود را توسعه می‌داد . توسعه این دستگاه هم نرخ تورم را به شدت بالا می‌برد و بار آن را بر دوش زحمتکشان می‌اندازد ، هم قشر انگلی مرفهی را پرورش می‌دهد که از نظر طبقاتی فاقد خصلت‌های انقلابی هستند و به سود طبقات ارتجاعی جبهه‌گیری می‌کنند .

امروز انقلاب می‌خواهد به عمق برود . انقلاب می‌خواهد تحولات بنیادین در نظامات اجتماعی - اقتصادی پدید آورد مسئله اساسی در اینجا این است که آیا می‌توان با همان نظامات دولتی سابق این

تحولات را به انجام رسانید تمام واقعیت‌ها به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند . زیرا نه سیستم اداری موجود و مناسبات حاکم بر آن موافق انجام چنین تحولاتی سازمان داده شده است و نه روحیات لیبرالی حاکم بر دستگاه‌های دولتی موافق اجرای این تحول انقلابی است . عقل و تجربه به ما می‌فهماند که طرح‌های اساسی انقلاب را غیرممکن است همان دستگاه دولتی شاهنشاهی به اجرا درآورد . دستگاه دولتی

سه انتقاد از لایحه بازسازی

محتاج یک بازسازی جدی و عمیق است اولین چیزی که اکنون در ادارات نگاه همگان را به خود جلب می‌کند انبوه عظیم کارمندان در ادارات و حجم ناچیز وظایفی است که برعهده آنان قرار دارد . دستگاه ادارات دولتی باید ضرورتا کوچک شود ، بسیار کوچک‌تر از آنچه هست . بسیاری از دوایر امروز زائدند و باید برچیده شوند بسیاری از دوایر از تورم کارمندی رنج می‌برند و باید بار خود را سبک کنند . دستگاه اداری باید جمع‌وجور شود و بار سنگین هزینه پرسنلی آن که فشار سنگینی برعهده زحمتکشان است ، باید کاهش یابد .

ثانیا روحیات لیبرالی و نارضایی از انقلاب و جمهوری اسلامی در ادارات به دلیل وابستگی طبقاتی نیروهای آن وسیع است . به قول امام خمینی اینها فقط کارشان این است که : " یک حقوقی گیرشان بیايد و یک قدری نق بزنند و قدری هم کارشکنی کنند " ناراضیان از انقلاب هرگز اهرم‌های خوبی برای انجام تحولات انقلابی نخواهند بود .

اولین سؤال

سؤالی که در اینجا آنا مطرح می‌شود آن است که اولاً چگونه می‌توان به این بوروکراسی عریض و طویل پایان داد . دست‌وپای آن را جمع‌تر کرد و از هزینه سرسام‌آور آن کاست ؟ ثانیا چگونه می‌توان دستگاه دولتی را موافق اهداف انقلاب و منش انقلابی سازمان داد ؟

متاسفانه لایحه بازسازی نیروهای انسانی وزارت‌خانه‌ها و ... اصلا به مساله اساسی نخستین نیرداخته است . روح حاکم بر لایحه ، روحی محافظه‌کارانه و غیر انقلابی است . تمام کار لایحه این است که هیات‌هایی را بوجود بیاورد که بررسی و تحقیق و رسیدگی کنند ببینند چه کسی ، کدام کارمند جرائم سیاسی و غیر سیاسی مرتکب شده است و او را بیکار کنند و یا تنزل بدهند . گرچه در مقدمه لایحه از انقلاب و دگرگونی در سیستم و مهره‌های اداری که یکی از مهمترین ارکان سلطه طاغوت بوده‌اند " به مشابه " ضرورتی اجتناب‌ناپذیر یاد شده است لکن سراپای ۶۰ ماده و دهها تبصره لایحه هیچ صحبتی از " دگرگونی سیستم " نمی‌شود و در ادارات دنبال " متهم " می‌گردد که او را " اخراج " و بیکار کند .

جالب‌تر از این آن است که در بیانیه مشترک روز اول شهریور حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی که مجموعا اکثریت مجلس و تمام قدرت دولتی را در دست دارند ، به درستی آمده است :

" به راستی باید این سیستم دیوان‌سالاری و کاغذبازی که جز آزار مردم و مصرف زائد بیت‌المال کاری نمی‌کند ، باید از بن ، چه از لحاظ سیستم و چه از لحاظ افراد تحولی انقلابی یابد و خط امام را پیش گیرد " .

حوب اگر واقعا چنین است پس چرا لایحه بازسازی در مورد کل این سیستم پیچیده دیوان‌سالاری و کاغذبازی ساکت است ؟ چرا لایحه فقط و فقط کار را به یافتن مجرمین و " اخراج " آنها بسنده کرده است ؟ سؤال این است که آیا اگر در دهها و دهها دایره و اداره عریض و طویلی که برای رتق و فتق امور رژیم سابق هیچ " متهمی " که مشمول لایحه بازسازی شود وجود نداشت آنها به همان‌گونه عاقل سر جای خود می‌مانند ؟ لایحه عملا به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد . وقتی پس از شاه در انبوهی از دوایر ادارات ، دیگر اصولا هیچ کار جدی برای انجام دادن وجود ندارد چگونه می‌توان از " کم‌کاری " و کارشکنی " صحبت کرد ؟ لایحه ، هیات‌های بدوی و تجدیدنظر را می‌فرستد که بقیه در صفحه ۳

جرج بال:

«از رجوی بیشتر حمایت کنیم او دوست ماست»

اینست حاصل دردناک خیانت رهبری مجاهدین

جرج بال معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا از دولت ریگان خواسته است که بر حمایت‌های خود از مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق بیفزاید. جرج بال که بزرگترین کارشناس مسائل ایران در کاخ سفید است در پائیز ۵۷، در آستانه پیروزی انقلاب مردم ایران طرح برای توقف و شکست انقلاب ایران به دولت کاتر ارائه داده بود. او اکنون در اجرای یکی از طرح‌های خود است که بورژوازی لیبرال ایران در آن دست بالا را دارد توصیه می‌کند که آمریکا

با حمایت بیشتر از رهبر فراری مجاهدین خلق که بسیار ملی‌گرا است، جبهه براندازی را که رجوی نخست‌وزیر آن معرفی شده است، بیش از پیش تقویت کند تا هدف این جبهه که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است هرچه زودتر تحقق یابد. سخنان جرج بال به دهها پرستی که سیدمحمدرضا سعادتی در وصیت‌نامه خود طرح کرده است به روشنی پاسخ می‌گوید. سید در وصیت‌نامه خود، از سازمان می‌پرسد "ما چه جبهه‌ای را گشودیم؟ قدم در چه

صحنه‌ای گذاشته‌ایم" و با "برادران" ما در دامی که امپریالیست‌ها برایمان چیده بودند، گرفتار شدیم" و اینک جرج بال می‌کوشد جناح‌های بیشتری از امپریالیست‌های آمریکایی را متقاعد کند که رجوی رهبر مجاهدین در خدمت منافع آمریکا است و صراحتاً آنان را از هرگونه "اشتباه" برحذر می‌دارد. جرج بال به همه جناح‌های امپریالیست آمریکا می‌دهد که "امکان پیروزی" برای رهبری مجاهدین "نسبتاً زیاد" است. او با

این فرض امپریالیست‌ها را دعوت می‌کند که از رجوی بیشتر حمایت کنند. این جنبه از توصیه‌های جرج بال به روشنی تمام اثبات می‌کند که تلاش‌های خائنه رهبری مجاهدین برای سرنگونی جمهوری اسلامی تنها و تنها به سود طرح جرج بال برای روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو "که حافظ منافع آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی‌اش باشد" است. جرج بال به مثابه یک استراتژی برجسته امپریالیسم که طرح نقشه‌های شوم متعددی برای محافظت از منافع غارتگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است به خوبی می‌داند سیاستی که رهبری مجاهدین اتخاذ کرده است منافع آمریکا را تامین می‌کند از این رو حمایت بیشتر از مجاهدین را به دولت ریگان "صمیمت تمام" توصیه می‌کند. جرج بال، البته به سیاق خود از امکان نسبتاً زیاد پیروزی مجاهدین سخن می‌گوید باند خیانتکار رجوی-خیابانی و همه رهبران "چپ‌های آمریکایی" نیز برای توجیه سیاست ورشکسته و خائنه‌شان به انبوه

هواداران ناآگاه خود نیز این "نوید" را می‌دهند همه آنها در بوق و کرنا چنین می‌دمند که "رژیم در آستانه سقوط قرار دارد" آنها از فروپاشی قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی خبر می‌دهند و در تحلیل‌های خود به هواداران خود می‌گویند که "مردم" علیه رژیم به زودی قیام می‌کنند آنها اوضاع و احوال سیاسی جامعه را چیزی شبیه آستانه قیام بهمن‌ماه ۵۷ توصیف می‌کنند. و آن در حالی است که نیروهای "خط امام" با منہزم ساختن جبهه براندازی و طرد بنی‌صدر و دارودسته آن از حکومت، به بالاترین حد انسجام دست یافته و آماده برداشتن گام‌های بلندی در جهت تعرض جدی به پایگاه اقتصادی جبهه براندازی، یعنی بزرگ مالکی و کلان‌سرمایه‌داری است. آنها در حالی، شرایط را آماده قیام مردم علیه جمهوری اسلامی توصیف می‌کنند که نیروهای "خط امام" همه اهرم‌های قدرت سیاسی و اقتصادی را تقریباً بطور کامل در اختیار گرفته‌اند

سه انتقاد...

بقیه از صفحه ۲

بروند و تکلیف کارمندان خاطی و مجرم را روشن و او را بیکار کنند حال آنکه قبل از آن باید این هیات‌ها بروند و تکلیف یکایک پست‌ها دایره‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی رژیم شاه را روشن کنند. پس آنگاه این مسئله مورد رسیدگی قرار گیرد که کدام کارمند به وظایف خود در برابر انقلاب عمل نمی‌کند و این اولین و مهمترین انتقاد ماست به لایحه بازسازی. این شیوه برخورد با مساله بازسازی معنایش حفظ همان دستگاه بوروکراسی است. مگر بازسازی را به پایان برده‌اید که حالا می‌خواهید نگذارید عناصر ناسالم در آن رخنه نکنند؟ اگر بگویید مساله تغییر سیستم و کاهش اساسی پرسنل ادارات و انتقال آنان به بخش‌های تولیدی وظیفه دیگری است که باید جداگانه به آن پرداخت، آنگاه ما در جواب خواهیم گفت پس چرا نام پرطمطراق بازسازی نیروی انسانی را روی لایحه نهاده‌اید. این را بردارید و به جایش بنویسید "لایحه بازسازی...". از این گذشته مگر نه اینکه لایحه

می‌خواهد کارمندان "غیر متعهد" را از سرکار بردارد؟ اگر واقعا این‌طور است باید گفت: آقایان نمایندگان مجلس غیرمفید بودن یک کارمند قبل از اینکه به "رفتار او" بازگردد به سیستم اداری باز می‌گردد چگونه می‌خواهید این دو موضوع را از هم جدا کنید. آنها از هم جدا نیستند ولی لایحه از سر خود آنها را جدا کرده است.

دومین سؤال

لایحه بازسازی خلاصه شده است به شناسایی و محاکمه و اخراج و یا تنبیه کارمندان خاطی، لایحه کوچکترین صحبتی از این به میان نمی‌آورد که دولت چه تعهدی در قبال فرد اخراج شده برعهده می‌گیرد آیا تصمیم دارید دهها هزار کارمند دولت را به همین سادگی اخراج کنید و به امان خدا در جامعه رها کنید؟ لایحه بازسازی به این سؤال عملاً جواب مثبت می‌دهد زیرا اصلاً هیچ تعهدی در مورد تامین شغل برای منفصل شدگان از خدمت دولتی بر عهده نمی‌گیرد فقط آنان را

بیکار می‌کند و رهایشان می‌سازد. لایحه به هیچ وجه نمی‌تواند این نقطه ضعف اساسی خود را پنهان سازد این شیوه برخورد با مساله عامل بروز بدترین پدیده‌های مخرب اجتماعی در جامعه خواهد شد. سؤال ما در اینجا این است که از کجا معلوم که این‌گونه بیکار کردن انبوهی از کارمندان متخصص و غیر متخصص زیان‌های بسیار جدی‌تر به انقلاب نزند اگر واقعا معتقدید بدون بازسازی دستگاه دولتی نمی‌توان برای این شغل تامین کرد آنگاه ما خواهیم گفت بسیار خوب این حرف بسیار درستی است اما بیایید آقایان! همین تعهد را در مورد یکایک اخراج‌شدگان بر عهده بگیرید. در همین لایحه تعهد کنید که انقلاب متعهد می‌شود برایشان کار فراهم کند. خطاب ما در اینجا به نمایندگان محترم مجلس است که چطور متوجه نیستند که چگونه بیکار کردن و رها کردن دهها و بلکه صدها هزار نفر از دستگاه دولتی مخرب‌ترین اثرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به بار می‌آورد فکر نکنید که "اخراج" حلال مشکلات است. اخراج بدین شیوه (بیکار کردن) سرمنشاء انبوهی از مشکلات خواهد شد که در آینده با آن دست به گریبان خواهیم بود.

به‌علاوه اگر می‌خواهید به اخراج‌شدگان حقوقی بیش از آنچه به صندوق بازنشستگان ذخیره کرده‌اند، بپردازید باید پاسخ دهید می‌خواهید این پول را از کیسه کدام کارگر و دهقان زحمتکش برداشت کنید. به کدام حساب این هزینه سنگین تورمی را متحمل می‌شوید؟ اگر می‌خواهید به آنها چیزی ندهید پس چه راهی برای تامین معاش اخراج‌شدگان پیش پایشان می‌گذارید؟ از همه اینها گذشته چرا غافلید از نتایج سیاسی و اجتماعی بسیار منفی که این بیکار کردن‌ها بوجود می‌آورد. چرا ضدانقلاب پروری می‌کنید؟ و اگر می‌گویید چندتایی بیشتر نیستند آنگاه خواهیم گفت به حساب کدام طبقات محروم می‌خواهید هزینه این دستگاه انگل و طفیلی را تامین کنید. مگر نه اینکه نص صریح بند اخیر ماده ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید." اگر واقعا قانون اساسی را قبول دارید پس چرا لایحه بازسازی کوچکترین اشاره‌ای به این وظیفه اساسی دولت نکرده است؟ به دلایلی که شمردیم

قطعا ضروری است که در لایحه بازسازی تمهیدات و تدارکات جدی برای سه کارگیری این نیروهای اخراج شده در واحدهای صنعتی و کشاورزی، در کار تولیدی در نظر گرفته شود. حق داشتن شغل حق مسلم همه انسان‌ها است. بیکاری دشمن مهلک و خطرناک انقلاب است. چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی کسانی که این واقعیت را نبینند و یا باور نکنند قادر به مقابله جدی با عواقب بسیار منفی و مخرب آن نخواهند بود. راست این است که چنانچه لایحه به مساله بازسازی نیروی انسانی واقعا به مثابه "بازسازی نیروی انسانی" می‌نگریست قطعا به فکر اهمیت تامین شغل برای انبوه کارکنانی که بر اثر بازسازی، شغل خود را از دست داده‌اند، می‌افتاد. ما می‌گوییم اول تعهد تامین شغل (تعهد آن نه تامین آن) بعد تصفیه. این تنها شیوه اصولی و انقلابی است زیرا در جامعه هیچ‌کسی نیست که شایسته هیچ شغلی نباشد.

سومین سؤال

مایه سرافکندگی و نقطه ضعف اساسی دیگر لایحه آن مایه در صفحه ۱۹

جبهه اسلامی ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی

گام مثبتی است مشروط بر اینکه ...

یکی از رویدادهای بسیار مهمی که در هفته گذشته جو سیاسی را تحت تاثیر قرار داد اعلام آمادگی ایران بود برای کوشش در جهت تشکیل یک جبهه اسلامی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی . گرچه در پیشنهاد ایران هنوز جای ابهام بسیار است و تنها کلیات مساله عنوان شده است ، با این همه ما اعلام رسمی این پیشنهاد را به مثابه تصمیمی مهم که شایسته توجه بسیار است تلقی می‌کنیم .

انقلاب ایران از طریق برانداختن یکی از ارتجاعی‌ترین و در عین حال هارترین رژیم‌های وابسته به امپریالیسم ، موازنه قوا در منطقه خاورمیانه را به سود خلق فلسطین و دیگر خلقهای محروم منطقه تغییر داد . ایران " شاه " که نیرومندترین مدافع امپریالیسم و صهیونیسم و نزدیک‌ترین دوست هم پیمان آمریکا و اسرائیل در منطقه بود ، با پیروزی انقلاب بهمن ماه ۵۷ ، به کشوری تبدیل شد که ضربات و خسارات سنگینی را به مواضع و منافع امپریالیسم و صهیونیسم وارد آورده و می‌آورد . این تحول ، کینه و دشمنی جنون‌آسای آنان را علیه انقلاب ما برانگیخته است .

بیرون کردن همه عمال آمریکا و اسرائیل و قطع پیوندهای نظامی و تسلیحاتی با آنان و عدم حمایت از طرح‌ها و نقشه‌های آنان و موضع‌گیری قاطع و سازش‌ناپذیر علیه ارتجاع حاکم بر مصر و اردن و عربستان سعودی . مراکش و امثالهم ، جنبش مقاومت خلق فلسطین و مواضع جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه را تقویت کرده است . از همین نقطه نظر است که خبر پیروزی‌های انقلاب ما و شکست‌های ارتجاع تا این حد خلق‌های عرب منطقه را

شادمان می‌کند . با این همه سیاست دولت جمهوری اسلامی پس از انقلاب ، متأسفانه دارای انحرافات و اشتباهات اساسی در موضع‌گیری نسبت به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی خلق فلسطین و کشورهای مترقی عرب بوده است . لیبرال‌ها پس از انقلاب که مهار سیاست خارجی را به دست داشتند ، با تمام قوت گذاشتند ایران با کشورهای مترقی عرب پیوند برقرار کند آقایان سنجابی ، یزدی ، بنی‌صدر و قطب‌زاده می‌خواستند جمهوری اسلامی ایران با پاکستان ، چین و کشورهای ارتجاعی اروپا و همچنین با مرتجعین عرب مثل عربستان سعودی ، دوستی کند .

دست‌های مرموزی در کار شدند تا مناسبات میان سازمان آزادیبخش فلسطین و جمهوری اسلامی ایران را تیره کنند و مانع از آن شوند که ایران از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین پیگیرانه پشتیبانی نماید . همین دست‌های مرموز حدود دو سال با پیش کشیدن قضیه امام موسی‌صدر و مقصر جلوه دادن دولت لیبی مزرورانه کوشیدند نگذارند ، روابط ایران و لیبی بهبود و گسترش یابد .

تفرقه افکنی امل

و

کارشکنی " تفاله‌ها "

تاریخ و تمام مردم ترقی‌خواه جهان قضاوت خواهند کرد که سازمان امل چگونه تمام ترفندها و تفله‌های خود را به کار بست تا اولاً دولت جمهوری اسلامی ایران از سازمان

گفته‌اند که ایران تا امروز به علت جنگ تحمیلی ، فشارهای امپریالیسم موفق به کمک وسیع و عملی به جنبش مقاومت خلق فلسطین نشده است اما به اعتقاد ما اینها تنها یک وجه مساله است .

عدم تاکید ایران روی این حقیقت که سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است (که توسط تمام کشورها و محافل ترقی‌خواه جهان با حساسیت تمام مورد تاکید قرار می‌گیرد) هیچ ربطی به جنگ یا تشدید فشارهای امپریالیسم ندارد . زمانی که امپریالیسم آمریکا ورژیم سادات خائن و صهیونیست‌های اسرائیلی تمام تلاش خود را بکار انداخته که برای خلق فلسطین نماینده قلابی بتراشند و توطئه کمپ‌دیوید را به اجرا در آورند ، دولت ایران نیز حمایت قاطع و آشکار خود را از سازمان آزادیبخش فلسطین مورد تاکید قرار نداده است .

هر گاه خواسته باشیم خوش‌بینانه قضاوت کنیم باید بگوئیم که دولت ایران تاکنون در هیچ موردی توطئه امپریالیستی - صهیونیستی کنارگذاشتن سازمان آزادیبخش فلسطین را قاطعانه افشاء نکرده است و می‌دانیم که سازمان امل و مدافعان ایرانی آن در پیشبرد این سیاست بیشترین نقش را داشته‌اند .

برای اینکه غیرمستند صحبت نکرده باشیم ، بخش‌هایی از سخنرانی دکتر چمران را که در روزنامه " میزان " روز ۲۴ آبان سال گذشته به چاپ رسیده است ، نقل می‌کنیم تا مردم بدانند " علاوه بر جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی امپریالیسم " جداماندن ایران از کشورهای عضو جبهه پایداری ، لیبی ، الجزایر سوریه ، یمن دمکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین ، دلایل دیگری نیز داشته است ایشان در این سخنرانی بدون اینکه حتی نامی هم از سادات به میان آورد در اشاره به لیبی و سایر کشورهای عضو جبهه پایداری می‌گوید :

" یکی از این کشورهای که بیش از همگان ادعای اسلامی و اسلامیت (لیبی)

آزادیبخش فلسطین (به این بهانه یوچ و بی‌معنا که این سازمان مکتبی نیست) ، فعالانه حمایت نکند . ثانیاً مناسبات ایران و لیبی هم گسترش نیابد و انقلاب ایران از پشتیبانی انقلاب لیبی محروم ماند . ثالثاً دولت ایران سازمان امل لبنان را تقویت کند تا این سازمان بتواند جنبش ملی لبنان ، حزب کمونیست لبنان و سایر سازمان‌های ترقی‌خواه فلسطینی را بطور مسلحانه (مثل اسرائیل) درهم کوبد و می‌دانیم که سازمان امل با دولت لیبی بازرگان ارتباطی بسیار تنگاتنگ داشته است . به یاد آوریم که چگونه بلافاصله بعد از انقلاب ، آقای جلود و عرفات به ایران آمدند ، همین‌ها کوشیدند نگذارند پیوندهای خلق‌های ایران و فلسطین و ایران و لیبی استوار گردد . سازمان امل تا امروز نه تنها هیچ کوششی برای متحد کردن دولت‌های ترقی‌خواه عرب ، برای تحکیم و تقویت جبهه پایداری و سازمان‌های فلسطین به عمل نیاورده ، بلکه همواره نقش این سازمان نقشه‌افکنانه و دشمن‌گام بوده است . سازمان امل تحت پوشش مکتبی کردن جنبش فلسطین ، با احزاب چپ‌گرای لبنان و گروه‌های چپ و مارکسیست فلسطینی دشمنی می‌کند (هم اکنون در جنوب لبنان از یک طرف سازمان امل ، کمونیست‌ها و چپ‌گرای فلسطین را به گلوله می‌بندد و از سوی دیگر توپ‌خانه سرگرد سعد حداد عامل صهیونیسم و فالانژیست‌های دست راستی و هواپیمای اسرائیلی آنان را می‌کوبد) و متأسفانه این باند فاسملوی جنوب لبنان تنها سازمانی است که از جانب دولت ایران فعالانه حمایت شده است .

آقای نخست‌وزیر و آقای وزیر امور خارجه هر دو

می‌کند بیش از همگان سعی می‌کند که از انقلاب ایران پشتیبانی نماید . اما در عمل کمونیست‌ها - جرج حبش‌ها ، نایف حواتمه‌ها و حتی چریک‌های فدایی خلق ما را تقویت می‌کند در شعار از اسلام و انقلاب ایران دفاع می‌کند ، اما در عمل با نیروهای ضدانقلابی و ضد مکتبی دست همکاری می‌دهد نیروهای خود را برای درهم کوبیدن خط مکتبی در این کشورها بکار می‌اندازد یک‌باره می‌بینید هنگامی که صد هزار سرباز روسی با اسلحه سبک و سنگین مسلمانان افغانستان را درو می‌کنند و هزاره‌ها را به خاک شهادت می‌اندازند همین کشورها که خود را انقلابی و مسلمان می‌دانند در کنار روسیه شوروی قرار می‌گیرند و علیه مسلمانان افغانستان موضع‌گیری می‌کنند .

(میزان ۲۴ آبان ۱۳۵۹) در جواب این حرف‌ها چه باید گفت ؟ آیا این سخنان کافی نیست برای اینکه درک کنیم چرا و به کدام دلیل دو سال پس از انقلاب هنوز میهن ما هیچ گام مهمی برای متحد شدن با دوستان خود در عرصه جهانی برنداشته بود تو گویی سعد مجبر اولین سفیر اتحاد جماهیر مردمی لیبی درست در پاسخ به همین جریان‌هاست که در مصاحبه با کیهان می‌گوید :

" جرج حبش ، و نایف حواتمه دارند می‌جنگند و به عقیده ما آنها شرف دارند و انور سادات خائن که پرچم اسرائیل را (که بالاتر از مناره‌های قاهره قرار گرفته است) در قلب اسلام به اهتزاز در آورده است .

درباره افغانستان هم ما گفته‌ایم که صد درصد از اسلام در افغانستان تائید می‌کنیم ولی نه از اسلام " ربانی " و مجددی " من نه به عنوان سفیر ، بلکه به عنوان یک فرد مسلمان هرگز حاضر نیستم تحت لوای این افراد بجنگم . من آنها را خوب می‌شناسم و می‌دانم نماینده چه قدرتهایی هستند . "

کیهان می‌پرسد :
" درباره فلسطین اگر دو مبارز یکی کمونیست و دیگری بقیه در صفحه ۵

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

جبهه اسلامی ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی

اسلامی باشد شما ترجیح می‌دهید به کدام یک کمک کنید؟
سعد مجبر جواب می‌دهد:
"از همه بدون استثناء پشتیبانی می‌کنیم، ما تنها کشور عربی بوده‌ایم که هرگز از پشت به فلسطینی‌ها خنجر نزده‌ایم."
(کیهان ۱۹ آذر ۱۳۵۹)

زبان‌ها و خسارات سنگینی که انقلاب ما و مردم ما در دو ساله اول پیروزی از جانب جدایی ایران از کشورهای عضو جبهه پایداری متحمل شده است، در درجه اول ناشی از نقش مخربی است که لیبرال‌ها و مدافعان آنها در جمهوری اسلامی ایفاء کرده‌اند و در درجه بعد ناشی از تمکین نیروهای خط امام به این سیاست لیبرالی است. اگر ما از همان فردای قیام با پنج عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین متحد شده بودیم آیا بازهم صدام جرات می‌کرد میهن ما را مورد تاخت و تاز خود قرار دهد؟ این پرسشی است که نمی‌توان به سادگی به آن پاسخ مثبت داد. اکنون به وضوح تمام بر همگان روشن شده است که چرا بنی‌صدر یک سال تمام از تأیید وزارت خارجه آقای موسوی خودداری کرد. و چرا نهضت آزادی و سایر محافل لیبرالی به خط امام و نیروهای راستین مدافع انقلاب بدترین دشنام‌ها را نسبت می‌دادند به هر حال اکنون با بیرون ریختن این "تفاله‌ها" از حکومت همان‌گونه که تمام نیروهای انقلابی از مدت‌ها پیش تأکید داشتند، راه برای برداشتن گام‌های عملی و مثبت به سوی نزدیکی به کشورهای ترقی‌خواه و انقلابی منطقه هموار شده است.

سیاست و تبلیغات رذیلانه مرتجعین

بیهوده نیست که تمام قارقارک‌های امپریالیستی و تمام بوق‌های نوکران وطنی آنان بلافاصله بعد از طرح پیشنهاد ایران در مورد تشکیل جبهه اسلامی ضد

بقیه از صفحه ۴
امپریالیستی و ضد صهیونیستی "به کار افتاد تا موضع ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران مخدوش جلوه داده شود. از رجوی گرفته تا ریگان (که از قضا راه درازی نیست) یک صدا ایران را به همکاری و هم‌دستی با اسرائیل متهم کردند تا توده‌های وسیع خلق‌های عرب در حمایت از اتحاد با جمهوری اسلامی ایران به تردید افتند. ضدانقلاب ابتدا کوشید مردم ما را نسبت به دولت‌های ترقی‌عرب بدبین سازند. مائوئیست‌ها و لیبرال‌ها رذیلانه تلاش کردند هر کشور ترقی‌را "نوکرشوروی" معرفی کنند. اما رشد آگاهی مردم این تلاش‌ها را به شکست کشید. امروز زمانی که مردم خواهان دوستی با دولت‌های ترقی‌خواه شده‌اند آنها با علم کردن دروغ‌های بی‌شمارانه این‌بار می‌خواهند نگذارند مردم کشورهای عرب به جمهوری اسلامی ایران اعتماد کنند. آنها می‌خواهند نگذارند نیروهای ترقی‌عرب، رهایی‌بخش و انقلابی با یکدیگر متحد شوند. آنها از فرط بی‌آبرویی نیروهای ترقی‌عرب را متهم می‌کنند که با ایشان "سازش" کرده‌اند. آنها می‌دانند اگر همه خلق‌ها با هم متحد شوند، شکست‌ناپذیر خواهند شد. برای همین است که آنها این همه دروغ را جمع به "سازش دو ابر قدرت" و "امپریالیسم روس" در گوش ملت‌ها فرو کرده‌اند تا اتحاد شوروی و دیگر ملل سوسیالیست را هم از جنس خودشان جلوه دهند. آیا دروغ‌های جعلی بوق‌های دشمنان ما در مورد "سازش پنهانی ایران و اسرائیل" هم توطئه دیگری برای پاشیدن تخم تردید نسبت به اتحاد ایران در دل خلق‌های عرب نیست؟ هر عقل سالمی به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد.

دوستان انقلاب از همکاری و اتحاد پشتیبانی می‌کنند همه نیروهای ملی،

دمکراتیک، صلح‌دوست و ترقی‌خواه ایران و جهان از سیاست نزدیکی و همکاری گسترده ایران با کشورهای جبهه پایداری و سازمان آزادی‌بخش فلسطین صادقانه حمایت می‌کنند. حجت‌الاسلام رفسنجانی در بازگشت از کشورهای عضو جبهه پایداری در مورد نیروهای ترقی‌عرب اعلام کرد:
"باید آمادگی داشته باشیم که بیشتر به هم نزدیک باشیم. این همکاری در مورد جبهه پایداری فکر می‌کنم، زیاد خواهد بود. یمن جنوبی که با ما همکاری می‌کند، روی هم رفته این نظر را داشت که اصلاً آمریکا دارد با ما می‌جنگد، دیگر محرز شد که شوروی الان حاضر نیست به عراق کمک کند. نشریه کار در همان زمان ضمن استقبال از این سفر آقای رفسنجانی نوشت:
"پیام دوستی کشورهای عضو جبهه پایداری باید به گرمی مورد استقبال قرار گیرد... جمهوری اسلامی باید به این پیام‌ها پاسخ شایسته بدهد و در جهت اتحاد نیروهای ترقی‌منطقه در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم و مرتجعین منطقه گام‌های قاطعی به‌پیش بردارد. این ضرورت انقلاب ایران است."
(کار، شماره ۸۶)
روزنامه‌های جمهوری اسلامی، امت و مردم نیز صراحتاً خواستار گسترش مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری شدند. همه ارگان‌های انقلابی نیز از این سیاست نوین استقبال کردند. در حالی که بنی‌صدر و مجاهدین و لیبرال‌های مدافع ایشان همراه با تمام محافل ارتجاعی داخلی و خارجی کوشیدند این سفر را پنهان سازند و یا مقاصد آن را طور دیگری جلوه دهند. نیروهای ترقی‌خواه جهان نیز همگی خواهان گسترش این روابط شدند. اتحاد شوروی در همان زمان اعلام کرد:
"کشورهای عضو جبهه پایداری با منانیت و پیگیرانه از سیاست مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم پیروی می‌کنند و آماده‌اند دیگر کشورها را، که به مبارزه علیه همان دشمنان مشغولند، مورد پشتیبانی قرار دهند... تحکیم مبانی همکاری ایران با این

کشورها به استحکام مواضع بین‌المللی ایران کمک موثر می‌کند.
(رادیوی مسکو - ۴ آذر ۵۹)
صالح محمد وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک خلق یمن در مصاحبه با روزنامه النهار (۱۷ مهر) گفت:
"ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلق‌های عرب بر اساس تفاهم متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم."
سعد مجبر، سفیر لیبی در تهران در مصاحبه‌ای با محله پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران، در همین رابطه نکات کاملاً برجسته‌ای را فاش ساخته است. سعد مجبر می‌گوید:
"من الان اعلان و پیشنهاد می‌کنم در ماه دسامبر گذشته یعنی در حدود ۱۱ ماه پیش هم طرحی را ارائه دادم، مبنی بر تشکیل جبهه‌ای که مرکب از پنج دولت اسلامی بود و آیت‌اله منتظری موافقت کردند و متوجه شدم آیت‌اله خمینی هم موافقت کرده‌اند و همچنین تعداد کثیری از اندیشمندان اسلامی با اجرای آن موافقت کردند. در آن هنگام این طرح را چنین عنوان کردم که الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و ایران برای آزادی فلسطین جبهه‌ای تشکیل بدهیم بعضی از عناصر مخالف، پیشنهاد طرح ما را برهم زدند. اگر پنج کشور در ۱۱ ماه قبل هم پیمان شده بودند، صدام نمی‌توانست اقدام به این تجاوز بکند."
(پیام انقلاب - ۱۲ آذر ۱۳۵۹ - صفحه ۵)
می‌بینیم که جمهوری اسلامی ایران که از دشمنی با لیبی و بسیاری از نیروهای صدیق خلق فلسطین آغاز راه کرده بود، امروز گام‌های بزرگی را به پیش برداشته است.

خلق‌ها از پیشنهاد ایران استقبال می‌کنند
مشروط بر اینکه...
مطمئن باشیم که تمام نیروهای ترقی‌خواه ایران و جهان نیز از این پیشنهاد دولت ایران استقبال می‌کنند. مشروط بر اینکه این جبهه اولاً بتواند نقش ایران را در دفاع از آرمان‌های انقلابی

ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلق‌ها به ویژه خلق فلسطین افزایش دهد، ثانیاً این پیشنهاد در عمل بتواند به اتحاد همه نیروهای مبارز و انقلابی در منطقه یاری رساند. ثالثاً گروه‌های ارتجاعی، مشکوک و وابسته به امپریالیسم را که تحت پوشش اسلام عمل می‌کنند از خود براند و افشا کند، نه اینکه در عمل راه سازمان امل را پیش‌گیرد، جاده نفاق را صاف کند و آب به آسیاب امپریالیسم بریزد.
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همراه و همزمان با تمام نیروهای ترقی‌منطقه خاورمیانه و جهان معتقد است:
در شرایط کنونی راه درست و اصولی برای آزادسازی قدس و سرزمین فلسطین و تشکیل یک دولت مستقل فلسطین حمایت همه‌جانبه و فعال دولت ایران از جبهه پایداری و تقویت همه‌جانبه آن است. دولت ایران باید از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین قاطعانه حمایت کند. دولت ایران باید هر نوع تفرقه‌اندازی میان مبارزان راه آزادی فلسطین را و میان نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی را قاطعانه افشا و محکوم کند.
البته هر شخص عاقلی درک می‌کند که معنای جبهه اسلامی متحد شدن ایران با مسلمانان آمریکایی عربستان سعودی و پاکستان و احزاب سیا ساخته افغانی نیست. ایران و لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین نیروهای هستند که تا کنون از این پیشنهاد استقبال کرده‌اند. اما مشخصاً هنوز این نگرانی به هیچ وجه رفع نشده است که این پیشنهاد تحت تأثیر فشارهایی قرار گیرد که از طرف سازمان‌های چون امل، اخوان المسلمین سوریه و یا ضدانقلابیون افغانی و کلان سرمایه‌داران ایران (که متأسفانه هنوز هم جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، اعمال می‌شود. این نگرانی مشخصاً وجود دارد که جبهه اسلامی همان نقشه‌های ارتجاعی و تفرقه‌جویانه سازمان امل را پیاده کند. این نگرانی وقتی افزایش می‌یابد که شنیده می‌شود
بقیه در صفحه ۱۸

پاداش افزایش تولید،

کارآئی شعار افزایش تولید را افروزمی کند

وزارت کار و امور اجتماعی اخیراً طی بخشنامه‌ای، " طرح پرداخت پاداش افزایش تولید " کارگران را جهت اجرا به واحدهای مربوط ابلاغ کرد. از آنجا که مسئله افزایش تولید و بازدهی کار، اولاً به واسطه آنکه حربه‌ای موثر در مبارزه علیه تحریم و مبارزه اقتصادی امپریالیستی و اخلاصی سرمایه‌داران لیبرال است و ثانیاً به واسطه سهمی که در پاسخگویی به منافع صنفی کارگران (در زمینه دستمزدها) دارد، لذا نقد و بررسی جوانب و مختصات این طرح را ضروری و حائز اهمیت می‌دانیم.

ضوابطی که وزارت کار برای پرداخت پاداش اضافه تولید به کارگران واحدهای تولیدی اعلام داشته است، صرف‌نظر از برخی نارسایی‌های جدی (که بدان اشاره خواهیم نمود)، در شرایط کنونی، گامی است در جهت تأمین مشارکت بیشتر کارگران در امر افزایش تولید و سهم شدن در منافع حاصل از آن. در دو سال گذشته، شورای عالی کار با ایجاد محدودیت در پرداخت اضافه دستمزد و ممانعت از عقد قراردادهای دسته‌جمعی کار، شرایط مساعدی در جهت ایجاد انگیزه و رغبت به کار و تلاش بیشتر بوجود آورده بود که با اعلام این ضوابط، موانع موجود در راه مذاکرات دسته‌جمعی کارگران با مدیران واحدهای تولیدی تا حدودی از میان برداشته می‌شود. اما آنچه که در این طرح قابل تأکید است، قبل از هر چیز عبارت از آن است که در رابطه با مسئله افزایش تولید و بهره‌وری اصولاً باید به عواملی چند (از قبیل سطح تکنولوژی، برنامه‌ریزی، مدیریت، مهارت نیروی کار و ...) توجه داشت و نه

منحصراً به نیروی کار. هر چند نیروی کار و انگیزه‌های مادی فعال‌تر کردن آن از جمله مهمترین آنهاست. " طرح پرداخت افزایش تولید همراه با " قانون تأمین منافع کارگران " (پرداخت ۶۰ روز دستمزد در سال) می‌تواند تاحدی در ایجاد این انگیزه‌ها و تأمین بخشی از حوائج صنفی کارگران موثر باشد. ایجاد چنین انگیزه‌هایی بر تلاش کارگران میهنان در تولید بیشتر و افزایش سطح بهره‌وری و ارتقای دانش فنی خواهد افزود. از این حیث این طرح در کلیت خود طرحی است مثبت و گامی است (هر چند کوچک ولی موثر) در جهت کاهش وابستگی و تأمین خودکفایی و استقلال اقتصادی براساس این طرح درازای یک درصد افزایش تولید مازاد بر استاندارد تولید کارگاه یک درصد حقوق کارگاه به عنوان پاداش به کارگران تعلق می‌گیرد (ماده ۳) با توجه به این ماده می‌توان پیش‌بینی نمود که در صورتی که عوامل دیگر (که بعداً بدان خواهیم پرداخت) در افزایش تولید اثر منفی نگذارند، دریافتی کارگران رقم نسبتاً قابل توجهی (از نظر ترمیم دستمزد) را شامل می‌شود. از طرف دیگر کارگران با افزایش تولیدشان به کاهش قیمت کالاها و تثبیت و کنترل آن و تقلیل وابستگی اقتصادی بطور جدی کمک نمایند. در تبصره ۱ ماده ۳ طرح، تلاش مثبتی در زمینه توزیع پاداش بر اساس بالا و پایین بودن سطح دستمزدها در واحدهای تولیدی مختلف شده است و تبصره ۲ این ماده نیز با در نظر گرفتن پاداش برای کارگاه‌هایی که پائین‌تر از استاندارد تولید می‌کنند، سعی نموده است برای کارگران اینگونه واحدها نیز

تشویق مادی تعیین نماید. در ماده ۴ طرح با تعیین کارگرانی برای کنترل مرغوبیت و تعیین اضافه دستمزد، حداکثر تا ۳۰ درصد برای آنها به مسئله کنترل کیفیت و مرغوبیت محصول، برخورد صحیحی صورت گرفته است. ماده ۷ طرح که قراردادهای قبلی را در زمینه افزایش تولید محترم شمرده است و همچنین ماده ۹ که منظور نمودن ویژگی‌های هر کارگاه در قرارداد را بلامانع دانسته است (البته اگر مغایر با مقررات طرح نباشد) واقع‌بینانه تنظیم شده است. ماده ۱۰ طرح نیز که تصویب قرارداد را توسط وزارت کار و امور اجتماعی لازم دانسته است. اما طرح مذکور دارای نارسایی‌ها و کاستی‌هایی نیز هست که توجه بدان ضروری است. مهمترین این کاستی‌ها روشن نکردن ضوابط قراردادهای دسته‌جمعی است که مابین کارگران و مدیریت واحدهای تولیدی بسته می‌شود. در این طرح فقط به ماده ۳۵ قانون کار فعلی (قانون کار رژیم سابق) اشاره رفته است که این ماده بسیار کلی است. البته این طرح راه را برای مذاکرات دسته‌جمعی کارگران و کارفرمایان باز گذاشته و موانعی که در راه عقد قراردادهای دسته‌جمعی کار وجود داشت، تا حدی از میان برداشته است، ولی لازم بود ضوابط و اهمیت قراردادهای دسته‌جمعی را نیز روشن می‌نمود. اصولاً قراردادهای دسته‌جمعی بایستی توسط تشکلهای کارگری و مدیریت امضاء شود حاوی تعهدات دوجانبه باشد روش کار باید بدین منوال باشد که ابتدا رئوس قرارداد مشترکاً به وسیله نمایندگان کارگران و مدیریت تنظیم

گردد. و سپس به نظرخواهی کارگران گذاشته شود تا اصلاحات لازم در آن صورت گرفته و آنگاه به تصویب نهایی طرفین برسد. در قراردادهای دسته‌جمعی کار که اغلب یکساله بسته می‌شود علاوه بر طرح‌های تولیدی و افزایش تولید در مورد گسترش و حفاظت و ایمنی محیط کار و فراهم نمودن بهترین شرایط ممکن کار، تأمین مسکن، بهتر کردن سرویس ایاب و ذهاب و غذاخوری، بالابردن سطح آموزش و فرهنگ تخصصی کارگران و گسترش امکانات مراکز آموزشی و فرهنگی و ورزشی، تصمیم‌گیری و توافق می‌شود.

کمبود دیگر طرح آن است که در آن پیش‌بینی نشده است که در صورتی که مدیریت واحد تولیدی امکانات لازم از قبیل مواد اولیه و ابزار و ماشین‌آلات را فراهم نیاورد کارگران چه اقدامی در مورد تأمین منافع مادی خود می‌توانند انجام دهند؟ در حالی که در ماده ۸ طرح پیش‌بینی شده است اگر امکانات کارگاه در جهت افزایش تولید تغییر کند در قرارداد تجدیدنظر می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده‌ای در مورد دفاع از حقوق گروه‌های کارگری که آماده افزایش تولید هستند اما به عللی که در بالا ذکر شد، قادر به این کار نشده‌اند، در طرح گنجانده شود. نارسایی‌هایی نیز در بخش مربوط به " دستورالعمل توزیع پاداش افزایش تولید " موجود است. در ماده یکم بند " الف " این بخش به امتیاز حضور و غیاب با توجه به اینکه در موقع احتساب امتیاز استحقاقی نیز به صورتی دیگر تأثیر می‌گذارد، بهای زیاد داده شده است. (امتیاز استحقاقی از حاصل ضرب روزهای کار کارگر در

دوره‌های تناوب کارگران امتیازات اکتسابی کارگاه تقسیم بر روزهای کار کارگاه در دوره‌های تناوب به دست می‌آید).

تعیین امتیاز مزد و همچنین امتیازات بعدی کار باعث پائین بودن امتیاز کارگران تازه‌کار خواهد شد. و این می‌تواند اثرات منفی روی این کارگران جوان به‌جا گذارد. بهتر است این دو مورد در یک مورد خلاصه شود و امتیاز کمتری برای آن منظور شود. به امتیاز کارآیی و انضباط (ماده پنجم) کم‌بها داده شده است. لازم است امتیاز بیشتری برای این مورد در نظر گرفته شود زیرا که روشن کردن مفهوم انضباط برای کارگران و نشان دادن اهمیت آن باعث خواهد شد که هر کارگر کار خود را هوشیارانه انجام دهد، محصول از کیفیت بالا برخوردار شود، مقررات در واحد تولیدی رعایت گردد و از ابزار و تجهیزات و دارایی کارگران نگهداری شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود برای خلاقیت و نوآوری کارگران در امر افزایش تولید نیز در ماده‌ای جداگانه امتیازی منظور گردد. این امتیاز توسط " کمیته ناظر بر قرارداد " داده می‌شود. توجه به این مورد قوه ابتکار کارگران را تقویت کرده و در پیشرفت ذهنی و دانش فنی آنها اثر مثبت به‌جا می‌گذارد اما برای بالا بردن سطح تولیدات داخلی (به نحوی که پاسخگوی نیازهای جامعه باشد) نباید تنها به یک عامل یعنی نیروی کار متکی بود هرچند که با توجه به سطح تکنولوژی کنونی در کشورمان نقش نیروی کار در صورت مساعد بودن شرایط کار و حفظ و تقویت امیدواری‌های لازم در این زمینه عامل موثری است. اما بقیه در صفحه ۱۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



پاسخ به مطالبات کارگران کارخانه بریک و بازگشائی آن یک وظیفه انقلابی است

کارخانه آجرماشینی و فشاری بریک تبریز، پانزده سال پیش، بر اثر نابسامانی‌هایی که در اداره آن پدید آمده بود تعطیل شده بود، لیکن بعد از انقلاب توسط مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی مجدداً راه‌اندازی شد. ولی پس از چندی بر اثر عدم کارآیی مدیریت (از جمله به‌ویژه استخدام بیش از اندازه کارگر قبل از آنکه قسمت ماشینی کارخانه را کاملاً تعمیر کنند) از یک سو و بلا تکلیف ماندن مساله مالکیت کارخانه که مشکلاتی ایجاد نموده بود، از سوی دیگر، کارخانه در شرف ورشکستگی و تعطیل قرار گرفت که این خود از زمره

امیدهای دشمنان زخم‌خورده انقلاب مردمی میهن ماست چرا که به این ترتیب اولاً هشتاد کارگر دائمی و صدها کارگر فصلی این کارخانه بیکار شده و از این طریق بر انبوه بیکاران جامعه ما افزوده خواهد شد. ثانیاً به تبلیغات سوء، کینه‌توزانه و مخرب سرمایه‌داران بزرگ و مدیران طاغوتی و لیبرال که تلاش دارند، وانمود کنند مالکیت و مدیریت آنان برای کارگران سودمندتر است، میدان عمل بازهم وسیع‌تری داده و برای آنان مشروعیت کاذب بوجود می‌آورد. هم اکنون تأثیرات منفی و مخرب چنین تبلیغات زهرآگینی به روشنی در میان کارگران این کارخانه دیده می‌شود.

فی‌المثل یکی از کارگران کارخانه بریک که کارگر نسبتاً آگاهی هم می‌باشد گفته است: "به قیمت یک عمر زندگی فلاکت‌بارم خوب می‌دانم که سرمایه‌دارها از خون کارگران تغذیه می‌کنند. اما حالا باز در فلان آجرپزی که در دست سرمایه‌دار است کارگران حداقل نان بخور و نمیری به دست می‌آورند!!" ثالثاً قسمت فشاری کارخانه توانایی تولید یک‌صد و پنجاه هزار آجر در روز را دارد، لذا ادامه تولید این کارخانه در سطح فعلی و حتی افزایش آن به سطح بالاتر برای مقابله با تورم کنونی ضروری است. و تازه همه اینها در شرایطی است که کارگران این کارخانه برای بازنگهداشتن

آن و تداوم تولید حاضر به همه‌گونه جان‌فشانی، ایثار و فداکاری انقلابی بوده و هستند. سخن پرشور اسماعیل یکی از کارگران این کارخانه دایر بر اینک "حاضر من تنها حیاط محترم را بفروشم و خرج راه‌اندازی کارخانه بکنم" و یا اقدام انقلابی کارگر دیگری که برای این منظور حاضر به فروختن گلوبند همسرش شده است، نمونه‌های درخشانی از این ایثار و فداکاری انقلابی از سوی کارگران این کارخانه است. در همین رابطه کارگران این کارخانه در روزهای ۲۹ و ۳۰ تیرماه دسته‌جمعی به اداره کار مراجعه کرده و خواست‌های خود را به قرار زیر مطرح کرده‌اند:

- ۱ - روشن شدن وضع مالکیت کارخانه به منظور آنکه از وام صنعتی برای راه‌اندازی تولید استفاده شده و دستمزدهای عقب افتاده کارگران نیز پرداخت گردد.
- ۲ - جذب کارگران اضافی به سایر واحدهای تولیدی. مقامات مسئول جمهوری اسلامی در مرکز و منطقه باید با پاسخ درخور و مناسب به خواست‌های منطقی و انقلابی کارگران کارخانه بریک از ادامه تعطیل این کارخانه جلوگیری کرده و موجبات بازگشائی آن را فراهم آورند.

تدوین و اجرای قانون مترقی تامین اجتماعی خواست همه کارگران است



نوشته است: "در سال ۱۳۵۴ شکم در حین انجام وظیفه از طرف چپ پاره شد که در بیمارستان شماره ۲ مرا جراحی کردند. از آن تاریخ حدود دو سال است که کارفرما مرا بیمه کرده است. حدود سه ماه قبل در نیمه اردیبهشت نیز طرف راست بدنم پاره شد که برای عمل جراحی به بیمارستان مراجعه نمودم در آنجا عکس‌برداری کردند و برای جراحی اظهار نمودند نوبت بگیرد. نظر به زیادی سن جرئت این کار را ندارم. نظر به اینکه کار نمی‌توانم بکنم، استدعا دارم مقرر فرمائید کارفرمایان کوره آجرفشاری کامران راجع به حق ۱۴ سال زحمت پر مرارت و دو دفعه پاره شدن شکم اقدام نمایند. آنها باید تا به حال حق بیمه مرا تمام و کمال به بیمه داده باشند و چون مدتی را ندادند، مرا بازنشسته یا از کارافتاده نگردند. یا باید با

موافقت کارفرمایان و دادن حق بیمه‌ام مرا از کارافتاده کنند و یا باید ۱۴ سال حق مرا بدهند. نه قوه کار دارم نه صحت بدن" مواردی از این دست که زحمتکشانی چون علی‌میوه بیداسگان پس از سالها کار طاقت‌فرسا و کشنده دیگر "نه قوه کاری دارند و نه صحت سلامتی" فراوان است. تامین حداقل رفاه برای این زحمتکشان از کارافتاده و محروم و تعیین مستمیری از کارافتادگی و حقوق بازنشستگی آنها از وظایف مبرم و مقدم سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. مسئولین و مقامات متعهد دولت جمهوری اسلامی باید هرچه سریع‌تر با تدوین و تصویب قانون مترقی تامین اجتماعی در چارچوب اجرای کامل اصل ۲۹ قانون اساسی به این نیاز مبرم زحمتکشان و محرومان جامعه ما در راستای اهداف مردمی

هم‌اکنون میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان میهن ما با وجود کار طاقت‌فرسا از حداقل مزایای تامین اجتماعی نیز برخوردار نیستند. بر اساس آمار سازمان تامین اجتماعی از دهها میلیون زحمتکش جامعه ما، تنها ۱/۸ میلیون نفر از مزایای تامین اجتماعی برخوردارند. بسیاری از کارگران و زحمتکشانی که در اثر سالها کار فرساینده و مشقت‌بار و گهولت زودرس ناشی از کار، از کارافتاده و زمین‌گیر شده‌اند. در این زمینه وضعیت دردناک یکی از کارگران کوره آجرفشاری "کامران" به نام علی‌میوه بیداسگان که به مدت چهارده سال در این کوره کار کرده است، نمونه‌وار است او در شکوایه خود به وزیرکار

ابتکار کارگران آتش‌نشانی

پالایشگاه شیراز

هفته گذشته کارگران قسمت آتش‌نشانی پالایشگاه شیراز، با تلاشی پیگیرانه و درخور ستایش، موفق شدند بیش از ۲۵۰۰۰ لیتر مواد شیمیایی اطفای حریق (F.O.A.M) را که از مدت‌ها پیش در فضای آزاد رها شده و در حال فاسد شدن بود، احیاء نموده و قابل مصرف سازند.

این اقدام مبتکرانه کارگران و کارکنان آتش‌نشانی صرف‌نظر از نتایج مستقیم (در جلوگیری از اتلاف ثروت ملی) بیانگر تلاش مسئولانه و متعهدانه کارگران ایران در جهت مقابله با تحریم اقتصادی امپریالیستی بوده و نویدبخش پیروزی‌های بزرگ‌تر در مبارزه برای احراز خودکفایی و استقلال اقتصادی است. مبارزه‌ای که با همت و کار یکپارچه و ابتکار خلاقانه کارگران و زحمتکشان ایران و برخورداری از همکاری‌های شریک‌ش متحدها جهانی انقلاب ایران به فرجام خواهد رسید.

انقلاب، پاسخی درخور و شایسته دهند. اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، خود در این زمینه همچون یک چراغ راهنما است: "برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند."

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



ایجاد و گسترش همه‌جانبه تعاونیها

گامی اساسی برای تحقق منافع دهقانان و توسعه کشاورزی کشور

امروزه تجربیات انقلاب‌های خلقهای زیر سلطه امپریالیسم، این نکته اساسی را به اثبات رسانده است که پیروزی انقلاب و دستیابی به استقلال همه جانبه بستگی تعیین‌کننده و گریزناپذیری به چگونگی حل مساله ارضی و دهقانی در هر یک از این کشورها دارد، موفقیت در پیشبرد یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی شرط ضرور پیروزی هرچه کامل‌تر انقلاب به شمار می‌آید در حالی که برعکس هر نوع رفرف به شیوه سرمایه‌داری که باعث گسترش زمین‌داری بزرگ، رشد مناسبات سرمایه‌داری در روستاها و به تبع آن افزایش اختلاف طبقاتی و استثمار و اجبارا به غنی شدن افرادی معدود، و فقر گسترده دهقانان زحمتکش منجر می‌گردد، نه تنها قادر نخواهد بود گامی در جهت تحول اساسی در روستاها به نفع توده‌های زحمتکش دهقانی و همچنین در جهت تأمین خودکفائی در این بخش بسیار مهم و کسب استقلال اقتصادی بردارد، بلکه تجربیات کشورهای که در این راه گام نهاده‌اند به خوبی نشان می‌دهد که اتخاذ چنین روش‌هایی حاصلی جز شکست به همراه نداشته و باعث آن شده است تا کشورهای مزبور همچنان به صورت ضمام عقب‌مانده سیستم جهانی سرمایه‌داری باقی‌مانده و پس از مدت کوتاهی به خیل کشورهای اقماری اردوی امپریالیسم بیبوندند. پایه‌های ضعیف مادی و تکنیکی تولید کشاورزی در این کشورها همراه با فشارهای ناشی از کل سیستم روابط اقتصادی

نا برابر با کشورهای امپریالیستی - که به عنوان مانع اصلی رشد تولید کشاورزی و بهبود مناسبات تولید در این زمینه عمل می‌کند - موجب می‌گردد تا این شکل برخورد با مسئله ارضی در حفظ شیوه‌های استثمار کهن و همچنین استثمار تجاری و ربائی مؤثر افتاده و هیچ نوع تغییر اساسی در اوضاع نابسامان کشاورزی و کشاورزان حاصل نگردد. برعکس تمامی تجربیات انقلابات پیروزمند گواه این است که انجام یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی به مفهوم الغاء بزرگ-زمین‌داری و فئودالیسم و مسلط ساختن دهقانان زحمتکش بر هستی خویش از طریق رسمیت یافتن تشکلهای آنان همراه با ایجاد آنچنان سازمان تولیدی که منطبق با شرایط و ویژگی‌های هر منطقه، به کارگیری ماشین‌آلات و تأمین همکاری جمعی و همگانی خرده تولید کنندگان و زمینه‌سازی برای ارائه خدمات گسترده تولیدی و دیگر مکانیسم‌هایی که موجب رشد مداوم و اصولی تولید می‌گردند را امکان پذیر سازد، از شرایط تعیین‌کننده پیروزی انقلاب است.

امروزه در میهن ما کمتر کسی است که به این امر باور نداشته باشد که در بخش کشاورزی که عامل اصلی تولید، زمین است، قطعه

نابرابر با کشورهای امپریالیستی - که به عنوان مانع اصلی رشد تولید کشاورزی و بهبود مناسبات تولید در این زمینه عمل می‌کند - موجب می‌گردد تا این شکل برخورد با مسئله ارضی در حفظ شیوه‌های استثمار کهن و همچنین استثمار تجاری و ربائی مؤثر افتاده و هیچ نوع تغییر اساسی در اوضاع نابسامان کشاورزی و کشاورزان حاصل نگردد. برعکس تمامی تجربیات انقلابات پیروزمند گواه این است که انجام یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی به مفهوم الغاء بزرگ-زمین‌داری و فئودالیسم و مسلط ساختن دهقانان زحمتکش بر هستی خویش از طریق رسمیت یافتن تشکلهای آنان همراه با ایجاد آنچنان سازمان تولیدی که منطبق با شرایط و ویژگی‌های هر منطقه، به کارگیری ماشین‌آلات و تأمین همکاری جمعی و همگانی خرده تولید کنندگان و زمینه‌سازی برای ارائه خدمات گسترده تولیدی و دیگر مکانیسم‌هایی که موجب رشد مداوم و اصولی تولید می‌گردند را امکان پذیر سازد، از شرایط تعیین‌کننده پیروزی انقلاب است.

امروزه در میهن ما کمتر کسی است که به این امر باور نداشته باشد که در بخش کشاورزی که عامل اصلی تولید، زمین است، قطعه

تولید اقتصادی می‌باشد، به همین دلیل باید هرچه بیشتر در جهت تمرکز در تولید کشاورزی و گسترش مزارع با شیوه‌های کشت جمعی کوشید. به عبارت دیگر بلافاصله پس از مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و فئودال‌ها، ایجاد آنچنان سازمان تولیدی که به تجمع مالکین کوچک و فعالیت‌ها، وسائل و منابع منجر گردد و شیوه‌های گوناگون تعاون در تولید، توزیع، مصرف و اعتبار را متداول ساخته و پیشرفت تکنیکی و اجتماعی کشاورزی در روستاها را فراهم سازد، ضرورت فوری دارد. هر اندازه مقیاس تعاون بیشتر باشد به علت ایجاد شرایط مادی، تکنیکی و اقتصادی بهتر، از نابودی توده‌های میلیونی دهقانی جلوگیری می‌شود و آنها را به سوی اشکال مدرن و وسیع‌تر فعالیت اقتصادی سوق خواهد داد و به کار گرفتن مؤثر دست‌آوردهای پیشرفت علمی و فنی و دگرگونی در حوزه تولید، فرهنگ و زندگی روزمره سریع‌تر امکان‌پذیر می‌گردد. تعاون و همیاری به عنوان راه‌حلی در مقابل فعالیت کشاورزی فردی، تحقق هرچه بیشتر منافع اقتصادی توده‌های دهقانی را تضمین می‌کند و زمینه‌های مناسبی را جهت استقرار سازمان‌های جمعی‌تر تولید و زدودن بیشتر تمایزات و اختلافات طبقاتی هموار خواهد نمود. مسلماً پیشبرد امر تعاون و همیاری در کشاورزی بدون توجه به ویژگی‌های تولید، نوع کشت آداب و رسوم و سنن تولیدی و اجتماعی هر منطقه و بدون در نظر داشتن سطح تکامل کشاورزی کشور و در اختیار گرفتن شکل و شیوه مناسب با مجموعه‌ی عوامل مذکور امکان پذیر نمی‌باشد. برای آموزش و متقاعد ساختن دهقانان زحمتکش به این مهم که کشت تعاونی و همیارانه به مراتب بیشتر از کشت فردی، منافع آنها و جامعه را تأمین می‌نماید و برای رشد و ارتقاء روحیه جمعی و تشویق به همکاری همه‌جانبه‌تر آنان مسلماً باید تدابیری اصولی اتخاذ نمود و تجربیات ارزشمند کشورهای نو استقلال که

امروزه دیگر به صورت قانونمندی‌های عام و جهان‌شمول درآمده‌اند، رهنمودهای ارزشمندی را در این زمینه در اختیار ما می‌گذارد که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - در درجه اول مرحله‌ای بودن شکل‌گیری تعاونی‌ها، گذار از پائین‌ترین سطح همکاری و تعاون به عالی‌ترین اشکال از نکات درخور اهمیت فراوان است، تجربیات انقلابی نشان می‌دهد که آنجا که همیاری و تعاون قبلاً به طور اساسی توسط اشکال پائین‌تر تعاون در حوزه‌هایی همچون عرضه، بازاریابی و اعتبار مهیا شده باشد زمینه و بستر مناسبی برای رشد سریع اشکال پیشرفته‌تر آن و ایجاد و گسترش تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف به وجود آمده است. یعنی در ابتدا به میزان پیشرفت اصلاحات انقلابی دموکراتیک در مناطقی که مناسبات بازار قوی است، تعاونی‌ها به عنوان انجمن‌های عرضه و بازاریابی رشد یافتند. تعاونی‌های عرضه و بازاریابی زمین را برای فعالیت اشکال دیگر تعاونی‌های متکامل‌تر و انجمن‌های تولیدی که بیش از پیش وسائل تولید را اجتماعی می‌کردند فراهم نمودند. البته باید در نظر داشت که تعاون و همیاری حتی در پائین‌ترین شکل آن فقط و فقط در خدمت آزادسازی زحمتکشان روستایی از استثمار ثروتمندان قرار دارد. و در جهت تأمین هرچه بیشتر منافع جمعی زحمتکشان ایجاد می‌شود.

۲ - نکته با اهمیت دیگر در ایجاد و گسترش تعاونی‌ها توجه و رعایت جدی سنت‌ها و آداب و رسوم دهقانان و تاءکید بر ویژگی‌های ملی، منطقه‌ای و اقلیمی روستاها است. استفاده وسیع از تمامی سنت‌های کشت جمعی و روابط همیارانه در روستاها کمک با اهمیت و بزرگی است به از پیش پابرداشتن موانع و مشکلات پیشنهادی که از نظر اجتماعی در امر تعاونی‌کردن کشاورزی پیش می‌آید. مثلاً در تانزانیا تعاونی‌های "اوجاما" که بخش عمده جمعیت دهقانی بقیه در صفحه ۹

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

خبرهایی از روستاهای کشور

بارسیدگی به وضعیت دامداران عشایری جلوی فاجعه را بگیرد

فارس - در آستانه پاییز وضعیت عشایر فارس که عمده‌ترین دامداران منطقه محسوب می‌گردند، بسیار نگران‌کننده است. چرا که امسال به دلیل کمبود باران در مناطق گرمسیر تمام دامدارانی که تابستان‌ها در گرمسیر می‌مانند، و تعداد آنها هم کم نیست، اجباراً به سردسیر کوچ کرده و این خود موجب زودتر تمام شدن علوفه طبیعی مناطق سردسیر می‌گردد. نتیجتاً تعداد قابل توجهی از عشایر یکی دو ماه زودتر از موعد مقرر مراتع سردسیر را ترک کرده و جهت استفاده از "ته‌چر" جو و گندم به مناطق میان سردسیر و گرمسیر کوچ کرده‌اند. اما فاجعه اصلی در پاییز رخ خواهد داد، زیرا طبیعتاً هم علوفه این مناطق زودتر تمام خواهد شد و هم به دلیل یکی دو باران بی‌موقع تابستانی، مراتع گرمسیری وضع نامناسبی یافته‌اند. علاوه بر همه اینها مساله قیمت جو نیز به مشکل بزرگی تبدیل شده است. در حال حاضر و در زمانی که باید جو ارزانترین قیمت را در طول سال داشته باشد و دولت نیز قیمت آن را کیلویی ۲۵ ریال اعلام کرده است، در مناطق فسا، داراب، لارستان و کازرون کیلویی ۶۰ ریال و در منطقه مرودشت کیلویی ۵۰ ریال، و یونجه کیلویی ۳۸ ریال و گاه ۲۰ ریال به دامداران فروخته می‌شود. به هر حال هم اینک دامداران عشایری سالی بحرانی را می‌گذرانند. بسیاری از دامداران اجباراً شروع به فروش گوسفندان "داشتی" خود نموده‌اند و این عمل بی‌شک، "سیاه بهار" گوشت را در سال آینده به همراه خواهد داشت. متأسفانه دولت جمهوری اسلامی نیز اقدام موثری در جهت رفع مشکلات آنها از قبیل آبرسانی، و جلوگیری از شخم زدن مراتع انجام نداده است و این امر به‌ویژه در مناطق سرروستان و سرحد چهاردانگ محسوس است. حتی جهادسازندگی نیز قسمت عمده مراتع مناسب را تحت عنوان برنامه گسترش کشاورزی شیارزده است و حال آنکه اکثر این زمین‌ها بازدهی کشاورزی ندارند. با همه این اوضاع مسئولین جمهوری اسلامی می‌توانند و باید قبل از اینکه فاجعه ابعاد گسترده‌تری یابد اقدام به جلوگیری از آن نمایند. اولین اقدام موثر در این زمینه قرار دادن علوفه ارزان و کافی در اختیار دامداران با ایجاد مراکز فروش در مناطق گرمسیری است. اقدامات دیگر عبارتند از جلوگیری از احتکار علوفه به وسیله واسطه‌ها، اولویت دادن فروش علوفه از طرف مجتمع گوشت به گوسفندان "داشتی" و ماده که بره تولید می‌کنند نسبت به گوسفندان پروراری که توسط پروراربندها تولید می‌شوند (گرچه این عمل ممکن است برای امسال مشکلاتی در امر گوشت به همراه آورد، ولی در سال‌های آتی با وجود دام‌های مادربه‌های بیشتری تولید می‌گردد)، ترغیب کشاورزان به کشت علوفه و تضمین خرید آن با قیمت مناسب، دستور خرید دام‌های اضافی دامداران توسط مجتمع گوشت و سازمان‌های مربوط به آن تهیه و در اختیار قرار دادن دارویی ارزان برای دام‌ها و بالاخره مصادره کلیه مراتعی که هنوز در دست مالکین بزرگ و خوانین باقی مانده است. در خاتمه بازهم تاکید می‌کنیم اگر چنانچه مقامات مسئول جمهوری اسلامی اقدامات جدی و عاجلی در این زمینه‌ها به عمل نیاورند، باید شاهد فاجعه‌ای جدی در پاییز سال جاری مناطق عشایری فارس باشیم.

با اجرای بندج و د دهقانان را از بند فئودال‌ها رها کنید

روستای احمدآباد خزایی در بخش رخ (بالارخ) تربت‌حیدریه قرار داشته و حدود ۱۳۰ خانوار جمعیت دارد. شش‌دانگ روستا و کلیه زمین‌ها، چاه و موتورهای آب روستا و اطراف آن در تصرف شخصی به نام علیرضا خزایی است که پدر وی رفیع‌خان خزایی نیز از فئودال‌های منفور منطقه بود. سال گذشته هیات هفت نفره واگذاری زمین به روستا رفته و قول داده که زمین‌های این فئودال را بین روستائیان تقسیم نماید. اما تاکنون اقدامی در این جهت انجام نشده است. به همین دلیل ارباب هم هنوز تا حد امکان دهقانان زحمتکش را استثمار می‌کند. بطوری که تنها یک‌پنجم محصول گندم و جو به دهقانانی که روی زمین‌ها کار می‌کنند می‌رسد، تازه این هم در صورتی است که محصول آفت نزنند و موتور و چاه سالم باشند. علاوه بر این هنگام برداشت محصول هم دهقانان باید نیمی از هزینه برداشت را بپردازند. در مورد چغندر نیز از هر تن محصول تنها ۱۶۰ کیلو به روستائیان سهم می‌رسد و بدین ترتیب درآمد هر خانوار روستایی در صورتی که تمام اعضای آن کار کنند سالانه حدود ۲۰ الی ۲۵ هزار تومان می‌شود اما ارباب به تنهایی سالانه حدود ۳ میلیون تومان درآمد دارد. اینها تنها نمونه‌ای از ظلم و ستم وحشتناکی است که توسط

زمینداران و فئودال‌های زالوصفت به میلیون‌ها دهقان زحمتکش سراسر کشور ما روا می‌شود و حال این سؤال برای همه آنها مطرح است که این وضع تا کی باید ادامه داشته باشد؟ مسئولین جمهوری اسلامی چه

بقیه از صفحه ۸

ایجاد...

کشور را در بر می‌گیرد و یا در گینه "مراجع انقلابی محلی" که در دوهزار از تقریباً هشت هزار دهکده برپا شده‌اند، باتکیه و استفاده وسیع از سنت‌های موجود محلی و ملی شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. در کشور خودمان نیز سنت‌های غنی و سرشاری از همیاری و همکاری در زمینه‌های مختلف در میان روستائیان ریشه دارد که خوشبختانه ستاد مرکزی واگذاری زمین به نوعی به آن توجه داشته و برنامه ریزی کشت مشاع را با سود بردن از نکات مثبت همین سنت‌ها پایهریزی کرده است.

۳ - مساله مهم دیگر رعایت اصل درخور توجه داوطلبانه و اختیاری بودن شرکت دهقانان در همیاری و تعاون است. به‌گونه‌ای که بدون به‌کار بردن قهر و اعمال فشار، خود دهقانان از طریق تجربیات و مشاهدات خود و با در نظر گرفتن امکانات تشویقی برای تولید همیارانه توسط دولت مایل به عضویت در تعاونی‌ها و همکاری با آنها گردند. مثلاً در الجزایر بعد از انقلاب زمین‌های ضبط شده توسط دولت به شرطی به دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین واگذار می‌گردید که در تعاونی‌های تولید سازمان داده شده توسط دولت مجتمع گردیده و به طور جمعی و تعاونی به تولید بپردازند، علاوه بر

وقت به درد این مردمی که "در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده‌اند" خواهد رسید و با اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی آنان را از بند اربابان غارتگر و جنایتکار نجات خواهند داد.

این از پیوستن خرده‌مالکان به تعاونی‌ها در صورت پذیرش کامل تعهدات تعاونی از طرف آنها استقبال شده و به طرق گوناگون آنان به این کار تشویق شدند. اما این امر به هیچ وجه اجباری نبود هرچند دولت محدودیت‌هایی در کمک به این کشاورزان مستقل در صورتی که عضویت در تعاونی‌ها را نپذیرند قائل می‌گردید و برنامه‌ریزی اساسی کمک‌ها و همکاری دولتی را بر تعاونی‌ها قرار داده است. این نمونه و دهها شیوه موفق دیگر با توجه به ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای می‌تواند مورد استفاده ما نیز قرار گیرند، اما در هر حال مساله عدم توسل به قهر و ضرورت تشویق و متقاعد کردن دهقانان اهمیت اساسی خود را حفظ می‌کند.

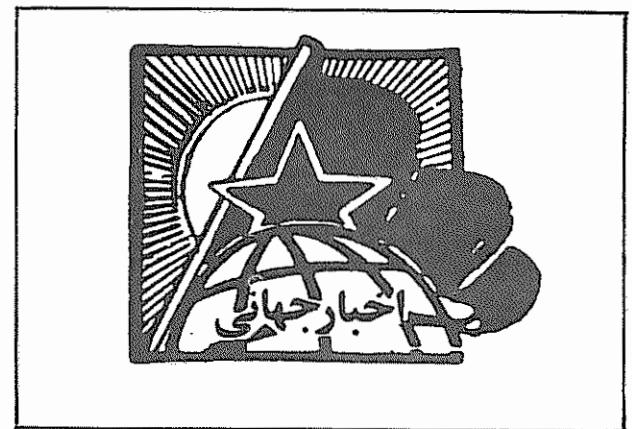
۴ - مساله با اهمیت دیگر اصل اداره دموکراتیک تعاونی براساس مدیریت اعضا آن، شرکت فعالانه آنها در توسعه تعاونی‌ها به عنوان مالکین جمعی وسائل تولید و کالاهای تولیدشده و سودهای به‌دست آمده است. باید آنچنان شرایطی به وجود آورد که هر نوع شیوه بوروکراتیک اداره تعاونی‌ها از میان برداشته شده و از نیروی خلاق و وسیع توده‌های روستائی در پیشبرد اموری که بیش از همه مربوط به زندگی و سرنوشت خودشان است سود برد و این امکان پذیر نیست مگر آن‌که آنچنان سیاستی اعمال گردد که دهقانان به ضرورت‌ها و

بقیه در صفحه ۱۶

با اجرای بندج و د توطئه‌های رنگارنگ زمینداران بزرگ و فئودال‌ها را درهم شکنیم

کشاورزان زحمتکش!

با اتحاد و یکپارچگی و همکاری با نهادهای انقلابی توطئه‌های رنگارنگ زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و سایر ضدانقلابیون در روستاها را خنثی کنید.



گسترش مبارزه در السالوادور

رادیو نیروهای انقلابی السالوادور اعلام کرد که در شهر "پرگین" واقع در شمال شرقی دولت انقلابی تشکیل شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری هادریبی موفقیت‌های روزافزون انقلابیون السالوادور، آمریکا تصمیم گرفته است برشمسار مستشاران خود در این کشور بیفزاید. این مستشاران علیرغم تکذیب‌های آمریکا در جنگ علیه میهن‌پرستان شرکت دارند و ارتش السالوادور را در سرکوب انقلابیون یاری می‌رسانند. همچنین روزنامه‌های چاپ مکزیک گزارش داده‌اند که آمریکا شروع به ساختمان پایگاه نظامی در هندوراس کرده است. این پایگاه نظامی به آمریکا امکان خواهد داد خلیج را که سواحل السالوادور، هندوراس و نیکاراگوئه را شامل می‌شود تحت کنترل خود قرار دهد. احداث این پایگاه که به منظور افزایش دامنه حضور نظامی آمریکا در این منطقه و تشدید عملیات مداخله‌جویانه علیه نیکاراگوئه و جنبش آزادیبخش السالوادور صورت می‌پذیرد، و همچنین افزایش تعداد مستشاران آمریکایی در السالوادور با تشدید پیکار در السالوادور و پیروزی‌های انقلابیون در ارتباط است. لیکن علیرغم تمامی این اقدامات و علیرغم بکار بردن سلاح‌های شیمیایی، هواپیماهای جنگنده، تانک و توپ از سوی ارتش السالوادور روز به روز بر صفوف میهن‌پرستان افزوده می‌شود.

نتایج دیدار لئونید برژنف با

رهبران کشورهای سوسیالیستی

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی با انتشار اطلاعیه‌ای نتایج دیدارهای لئونید برژنف با رهبران کشورهای سوسیالیستی را که اخیراً صورت پذیرفت، منتشر ساخت در این اطلاعیه آمده است که در جریان این دیدارها مهمترین مسائل مربوط به گسترش همکاری کشورهای سوسیالیستی مورد بحث قرار گرفت و توافق‌هایی حاصل گردید که تمامی آنها بدون استثناء به پیشرفت موفقیت‌آمیز کشورهای مربوطه و به استحکام پایه‌های وحدت و پیوستگی جامعه سوسیالیستی کمک خواهند کرد. در اطلاعیه گفته می‌شود:

" محافل امپریالیستی و مقدم بر همه

امپریالیسم آمریکا ضمن افزایش تشنج اوضاع بین‌المللی، آن را وسیله‌ای برای اعمال فشار به کشورهای سوسیالیستی و ممالک رو به توسعه می‌داند. تصمیم معروف پیمان ناتو مبنی بر تولید و استقرار موشک‌های میان‌برد آمریکا در اروپای غربی، افزایش بودجه نظامی آمریکا و متحدین آن کشور، تصمیم دولت ریگان مبنی بر تولید سلاح نوترونی، تلاش‌های دائمی برای اینکه موقعیت بحرانی دائماً در حال غلیان باشد، کوشش به منظور مداخله در امور سایر کشورها همه این عملیات برای امنیت کشورهای سوسیالیستی و بسیاری از کشورهای دیگر خطر بوجود می‌آورد و به‌کند شدن روند تشنج‌زدایی و خرابی محیط سیاسی بین‌المللی منجر می‌شود"

اطلاعه سپس می‌افزاید:

" کشورهای جامعه سوسیالیستی در برابر خط مشی‌ای که پکن پیوسته به آن نزدیک‌تر می‌شود، خط مشی پیگیرانه تحکیم صلح و مهار و قطع مسابقه تسلیحاتی و حل و فصل عادلانه موقعیت‌های بحرانی در سر میز مذاکرات را قرار می‌دهد... حل و فصل عادلانه و عاقلانه مسائل بین‌المللی و مورد اختلاف ممکن است ولی برای این مقصود زبان زورگویی و تهدید به‌درد نمی‌خورد. کشورهای سوسیالیستی برای دفاع از منافع خود تمام وسائل ضروری را در اختیار دارند و در این سمت تمام اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد. در عین حال آنها معتقد بوده و هستند که صلح موهبتی است متعلق به همه و تحکیم آن و دفاع از آن باید وظیفه کشورها باشد"

۱۵ سال پیکار دلاورانه مردم نامیبیا

در ۴ شهریور (۲۶ اوت) خلق تحت‌ستم و پیکارجوی نامیبیا تحت رهبری نماینده راستین خود " سازمان خلق آفریقای جنوبی " -سواپو سالگرد نبرد دلاورانه خود علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی و تمامی استعمارگران بیگانه را گرامی می‌دارد.

اکنون پانزده سال است که خلق نامیبیا و در پیشاپیش آن " سواپو " به رهبری سام‌نجوم پیکار بی‌وقفه خود را علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و حامیان امپریالیست آن شروع کرده است. در طی این مدت " سواپو " چه در عرصه نبرد مسلحانه و چه در عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی به پیروزی‌های بزرگی دست یازیده است. به‌نحوی که امروزه " سواپو " علیرغم ترفندهای گوناگون امپریالیست‌ها نه فقط از جانب خلق نامیبیا که از سوی اکثر کشورهای جهان به عنوان یگانه نماینده قانونی نامیبیا شناخته می‌شود.

به همراه موفقیت‌های روزافزون " سواپو " رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بر شدت حملات وحشیانه خود بر مواضع انقلابیون نامیبیایی افزوده است. چنانکه در طی هفته‌های اخیر نژادپرستان برای خاموش‌ساختن آتش انقلاب نامیبیا سربازان خود را در مرزهای آن‌گولای قهرمان که رزمندگان سواپو در آنجا اردو زده‌اند مستقر نمودند. اما همان‌گونه که نامیبیا و سواپو موفق گشته‌اند توطئه‌ها و تهاجمات را قاطعانه درهم بکوبند این بار نیز بی‌شک پیروزی از آن مردم نامیبیا است.

اکنون در آغاز پانزدهمین سالگرد مبارزه مسلحانه در نامیبیا مردم این سرزمین بیش از هر زمان دیگری به پیروزی نزدیکند. نامیبیا با " سواپو " و مردم قهرمانش در آینده‌ای نه چندان دور سرود پیروزی را فریاد خواهد کرد نوای دلنشین این سرود از هم اکنون به گوش می‌رسد....

ثابت بودن قیمت مایحتاج عمومی

در شوروی

در شوروی اعلام شد که قیمت پنیر، نان، گوشت، قند، کره، روغن‌نباتی، حبوبات و سبزیجات چندین سال است تغییری نکرده است گوشت و مواد گوشتی همانند کالاهای روزمره به قیمت ارزان‌تر از قیمت تمام شده در کشور فروخته می‌شود. تفاوت قیمت از راه تخصیص اعتبارات مالی اضافی، از طریق دولت جبران می‌شود. بر طبق محاسبات اقتصاددانان روشن گردیده است که درآمد واقعی اهالی در طی ۱۵ سال اخیر ۲ برابر شده است.

اخبار کوتاه

* - سفیر نیکاراگوئه درمکزیک در مصاحبه‌ای اعلام کرد که بیش از ۵ هزار تن از ضدانقلابیون نیکاراگوئه برای تجاوز به خاک این کشور در آمریکا آماده می‌شوند. او گفت افراد سابق گارد سوموزا با حمایت مقامات و با کمک مشاوران آمریکایی در اردوگاه‌هایی که در آمریکا دایر است تعلیم می‌بینند.

* - در سراسر زلاندنو به عنوان اعتراض به سفر تیم راگبی آفریقای جنوبی به این کشور تظاهرات متعددی برگزار شد.

* - دولت اسپانیا مسئله عضویت کشور در پیمان ناتو را برای بررسی به شورای دولتی تسلیم کرد.

* - سخنگوی شورای همیاری اقتصادی در مسکو اطلاع داد که طی پنج سال اخیر در کشورهای عضو این شورا نزدیک به ۱۵ میلیون محل کار جدید گشوده شده است.

* - در کشورهای مختلف جهان به نشانه اعتراض به تصمیم ریگان مبنی بر ساختن بمب نوترونی تظاهرات متعددی برگزار شد.

* - دهمین مبارز ایرلندی در اثر اعتصاب غذا در زندان درگذشت.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

اعلامیه اتحادیه زنان عراق

هم‌پیمانی رژیم فاشیستی عراق با ارتجاع عرب و هماهنگی

با امپریالیسم امریکا

کنگره چهارم اتحادیه زنان عراق که در اواخر ژوئیه ۱۹۸۱ در بغداد تشکیل‌گردید با موفقیت به کار خود پایان داد. کنگره اعلامیه‌ای خطاب به افکار عمومی عراق و همچنین پیامی خطاب به زنان آواره عراقی صادر نموده که در زیر آنها را می‌خوانید :

کنیم ما باید برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی و تشکیل یک دولت ائتلافی دمکراتیک که خلق کرد عراق از خودمختاری حقیقی برخوردار شود و حق زن عراقی را در تساوی زن و مرد و پیشرفت و تامین آینده‌ای درخشان برای کودکان عراقی را تامین کند به مبارزه برخیزیم .

ما صدای خود را علیه رژیم دیکتاتوری و فعالیت‌های آن و سازمان وابسته به حکومت به نام " اتحادیه عمومی زنان عراق " که وسیله‌ای در دست رژیم است بلند می‌کنیم و در صف واحدی بر علیه ترور و سرکوب رژیم در همه جا ، در کارخانه‌ها ، در موسسات ، دانشگاه‌ها و مدارس و در محلات و بازارها مبارزه می‌کنیم . ما برای مشارکت فعال در شناساندن مبارزه رزمندگان مسلح در کردستان عراق و تحکیم و تقویت پیروزی‌های آنها به صورت مادی و معنوی آنان را پشتیبانی می‌کنیم .

ما باید جوانان خود و به‌ویژه فرزندان سرباز و افسر خود را به قیام علیه رژیم دیکتاتور حاکم و الحاق آنها به رزمندگان مسلح در کردستان تشویق و ترغیب کنیم . فعالیت‌ها و مبارزات نیروهای میهن‌پرست که اکنون قهرمانانه درگیر آن هستند ،

بقیه در صفحه ۱۵

سعودی ، اردن و مصر و دشمنی با آن ، جنبه پایداری و جنبش‌های رهایی‌بخش عربی هر روز بیشتر افشاء می‌شود . مواضع جنایتکارانه آن در برابر مصالح خلق‌های ما و امت عربی و ناتوانی و عجز آن از دفاع از فضا و زمین میهن در برابر تجاوز دشمن صهیونیستی هم بیشتر آشکار می‌شود

زنان قهرمان میهن !

زنان و جنبش زنان عراق در ادوار مختلف نقش عظیمی در مبارزات خلق ما علیه استعمار فئودالیسم و دیکتاتوری بازی کرده‌اند و با مبارزات خود احترام و تقدیر جنبش ملی و دمکراتیک خلق ما خصوصا و جنبش زنان در جهان عرب و عالم را عموما جلب کرده‌اند . امروز زنان عراق به تاریخ خلق ما صفحات جاویدان تازه‌ای اضافه کرده‌اند که ملو از قربانی‌ها ، قهرمانی‌ها و حماسه‌ها و مبارزه برای درهم کوبیدن رژیم خون‌آشام بعثی و دیکتاتوری صدام می‌باشد .

فریاد رهایی میهن عزیز و نجات خلق ما از کابوس ترور و فاشیسم و جنگ از همه مانی خواهد که تمامی غم و غصه‌های خود و غضب و نفرت و اشک و کینه خود را به یک نیروی مبارزاتی مجهز و برای مبارزه متحد علیه دیکتاتوری حاکم تبدیل

پیام به افکار عمومی عراق !
به خانواده شهداء و قربانیان سیاست سرکوب ترور و جنگ تجاوزکارانه !

به خانواده بازداشت شدگان میهن‌پرست !
به کلیه زنانی که می‌خواهند زندگی آرام و شرافتمندانه‌ای برای فرزندان آنان فراهم آید !
به کلیه عراقی‌هایی که برای آزادی ، مساوات و پیشرفت مبارزه می‌کنند !

رژیم دیکتاتوری حاکم در عراق وحشیانه‌ترین شیوه‌های فاشیستی را برای نابودی بهترین فرزندان خلق ما در عراق اعم از کرد و عرب و کلیه اقلیت‌های ملی و مذهبی دیگر به‌کار گرفته است . تعداد قربانیان از آن جمله اعدام شدگان ، یا شهدایی که زیر شکنجه و یا با مسمومیت به شهادت رسیده‌اند و ربوده‌شدگان و بازداشت‌شدگانی که در زندان‌ها و سلول‌های امنیتی عراق سر به‌نیست شده‌اند روز به روز افزایش می‌یابد . در اجرای این شیوه‌های وحشیانه حتی کودکان و افراد کهن‌سال از اعمال آنان علیه هم‌وطنان کرد در داخل کشور مصون نمانده‌اند . همچنان که هزاران نفر به‌خارج مرزهای کشور تبعید و وادار به مهاجرت شده‌اند بدون آنکه هیچ‌گونه ارزش‌های اخلاقی و قوانین ملی و بین‌المللی رعایت شود . دهها هزار خانوار عراقی آواره و یا کانون خانواده آنها را برهم زده‌اند .

از چندین ماه پیش خون‌ریزی در اراضی ایرانی برای ارضای امیال طغیان‌گرانه دیکتاتوری و طمع و آرزوهای آن و کینه شوونیستی کور آن علیه خلق‌های ایران و انقلاب آزادیبخش این کشور ادامه دارد که به نابودی ارتش ما و ثروت‌ها و اقتصاد کشور ما و ایجاد آینده‌ای تاریک و نومیدکننده برای دهها هزار نفر از کودکان یتیم و مادران داغ‌دیده منجر شده است . همچنان که این جنگ کشتار و خرابی‌های فراوانی در شهرها و روستاهای ایرانی به ارمغان آورده است .

در همان حال منطقه عربی در معرض یک یورش جنایتکارانه امپریالیستی قرار گرفته که در فعالیت وسیع امپریالیسم آمریکا برای ضربه‌زدن به جنبش آزادیبخش ملی در کشورهای عرب و سرکوب جنبش عادلانه فلسطین و تحمیل یک راه‌حل سازشکارانه بر خلق‌های عرب تجسم می‌یابد در هماهنگی بین امپریالیسم آمریکا و دشمن صهیونیستی عملیات تجاوزکارانه اسرائیل در اقطار مختلف جهان عرب افزایش یافته است که انهدام نیروگاه اتمی عراق و استمرار یورش‌های وحشیانه بر جنوب لبنان و پایتخت آن بیروت که به شهادت و قربانی شدن صدها نفر از لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها و مبارزان عراقی در میان آنها و از جمله عضو انقلابی اتحادیه زنان عراقی فخری بطرس منجر شد ، از مظاهر آن می‌باشد .

در همان حال دنباله‌روی و همکاری رژیم دیکتاتوری حاکم با دسیسه‌های جنگ‌افروزانه و شرارت‌های امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانی و اتحاد با ارتجاع عرب در

پیام اتحادیه زنان عراقی به زنان آواره و مهاجرعراقی

محکوم می‌کند . ما در برابر شما زنان آزاده و میهن‌پرست آواره از خانه و کاشانه خود تعهد می‌کنیم که همراه با کلیه نیروهای ملی و میهن‌پرست برای افشای جنایات وحشیانه رژیم حاکم در صف واحدی به مبارزه ادامه دهیم . ما از هیچ‌گونه کوششی برای مشارکت در تحقق اهداف خلق ما برای رهایی از زیربار حکومت فاشیستی و ایجاد عراقی آزاد و دموکراتیک که خلق کرد میهن ما از خودمختاری حقیقی منطقه کردستان بهره‌مند شود و کلیه مهاجران عراقی به خانه و کاشانه خویش بازگردند و زندگی شرافتمندانه برای کلیه هم‌وطنان عراقی فراهم آید دریغ نخواهیم کرد .

ما این همت و عزم را سخ را در شما سراغ داریم که کینه و نفرت و فشارها و رنج‌های خود را به نیروئی واحد و فعال برای متوقف کردن سیاست ترور و سرکوب و به وسیله‌های مبارزاتی برای نزدیک کردن روز بازگشت به میهن خویش تبدیل کنید .

ما به پیروزی حتمی و شکست رژیم دیکتاتوری حاکم و طلوع صبح جدیدی در میهن خویش اطمینان داریم .

کنگره چهارم اتحادیه زنان عراقی
اواخر ژوئیه ۱۹۸۱ - بغداد

به خواهران عزیزی که مجبور به مهاجرت از میهن عزیز خود شده‌اند .

— به زنانی که از آوارگی و محرومیت از حق سکونت و زندگی شرافتمندانه در سرزمین آبا و اجدادی خویش رنج می‌برند !

رنج‌ها و آلام شما که جزئی از مصیبت همگانی خلق ماست چیزی نیست جز پی‌آمد خط مشی رژیم فاشیستی حاکم و سیاست نژادپرستانه شوونیستی آن علیه ملیت‌های مختلف و پیروان مذاهب گوناگون در عراق که مظاهر آن به شیوه‌های مختلف ظاهر شده و تحمیل جنگ تجاوزکارانه به خلق برادر ایران نمونه بارز آن می‌باشد . جنگی که خلق ما بهای گزاف آن را از جان و حیات هزاران نفر از جوانان میهن و نابودی اقتصاد ملی کشور پرداخت کرده است .

کنگره چهارم اتحادیه زنان عراق که تحت شعار " هماهنگی و همکاری کوشش‌های زنان عراقی با کلیه نیروهای میهن‌پرست برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری و برپائی یک رژیم دموکراتیک که مخالف فاشیسم ، جنگ افروزی و توسعه طلبی و دیکتاتوری باشد و تساوی حقوق زن و مرد و سعادت‌نوباوگان را تحقق بخشد " تشکیل شد ، سیاست حکومت دیکتاتوری فاشیستی عراق را

تجاوز به قلمرو لیبی

نشانه تصمیم آمریکا به دخالت مستقیم نظامی در منطقه است

در هفته گذشته ناوگان ششم آمریکا و جنگنده‌های آن با تجاوز به آب‌های ساحلی لیبی و انجام مانورهای تحریک‌آمیز نظامی در خلیج سیرا ، به اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در حوزه‌ای که از شمال آفریقا تا خلیج فارس ادامه دارد ، ابعاد تازه‌ای بخشیدند .

قبل از این تجاوز، رونالد ریگان ، صریحا اعلام داشته بود که قوانین بین‌المللی را در رابطه با حدود آب‌های ساحلی لیبی به رسمیت نمی‌شناسد . کارگزاران امپریالیسم آمریکا وقیحانه اعلام کرده بودند که لیبی تنها تا عمق ۵ کیلومتری آب‌های ساحلی خود حق اعمال حاکمیت دارد .

مانور نظامی ناوگان ششم آمریکا در نزدیکی سواحل لیبی اقدامی کاملاً طرح‌ریزی شده به منظور نشان دادن قدرت نظامی ناتو و مهم‌تر از آن به منظور نشان دادن عزم امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در تجاوز نظامی علیه دولت‌های ضدامپریالیست و خلق‌های به‌پا خاسته است .

تهاجم هشت جنگنده اف ۱۴ آمریکائی به قلمرو کشور لیبی و حمله به دو هواپیمای سوخوی ۲۲ این کشور که از مرزهای میهن خویش پاسداری می‌کردند ، نمونه‌ای از نخوت نفرت‌انگیز امپریالیسم آمریکا و نشانه بارزی از سیاست تجاوزکارانه‌ای است که دولت ریگان در پیش گرفته است .

امپریالیسم آمریکا که به حکم سرشت غارتگرانه و تجاوزکارانه‌اش از ویتنام درس نگرفته است ، با ورود ریگان به کاخ سفید ، ابعاد تازه‌ای به سیاست سیاه و شوم جنگ و تجاوز بخشیده است و هر روز که می‌گذرد خطر این سیاست به شدت ابلهانه و تجاوزکارانه برای صلح جهان بهتر آشکار می‌شود .

دولت ریگان قصد دارد سیاست ارباب و تهدید دول مستقل و ترقی‌خواه ، سیاست دخالت مستقیم ، تجاوز آشکار نظامی به سرزمین‌های

از بند رسته را به پیش برد و برای حفظ منافع آمریکا ، سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و حفاظت از دول ارتجاعی و سرسپرده به شدیدترین شیوه‌های نظامی متوسل شود .

درگیری هوائی ، جنگنده‌های آمریکائی و لیبیائی در قلمرو لیبی که به سرنگونی دو هواپیمای لیبیائی و یک اف ۱۴ آمریکائی منجر شد ، بار دیگر نشان داد که دولت ریگان تصمیم دارد به هر قیمتی شده ، این سیاست جنایتکارانه را ادامه دهد .

وقتی به افزایش تعداد سپاه واکنش سریع تا مرز ۶۰۰ هزار تن ، به تسلیحات فوق‌العاده مدرن این سپاه و به تمرین‌ها و مانورهای آن توجه کنیم ، وقتی به ورود هزاران مستشار ، پرسنل نظامی و انواع جنگنده‌ها و ناوهای جنگی آمریکائی به مصر ، عربستان ، دیه‌گوآرسیا و غیره توجه کنیم و همه این واقعیت‌ها را در کنار سخنان ریگان ، هیگ و دیگر سردمداران دولت امپریالیستی بگذاریم بهتر و بیشتر روشن می‌شود که خطر آمریکا جدی است که آمریکا در سراسر جهان به ویژه از شمال آفریقا گرفته تا خلیج فارس ، می‌خواهد هر طوری که شده منافع غارتگرانه‌ای را که حیات امپریالیسم در گرو آن است حفظ کند و در آنجا که این منافع را از دست داده ، دوباره با توسل به زور به چنگ آورد .

امپریالیسم آمریکا در راه حفظ منافع خود ، ناگزیر با دول ضدامپریالیست و ترقی‌خواه منطقه و با جنبش‌های رهایی‌بخش رو به‌رو است . دولت ریگان ، گروگوار ، برای دریدن این دولت‌ها با غیظ و نفرت دندان‌های خونین خود را تیزتر می‌کند و بر طبل جنگ می‌کوبد . دولت ریگان تلاش دارد با تهدید و ارباب دولت‌ها و خلق‌های ترقی‌خواه و مبارز ، راه را بر پیشبرد سیاست‌های تجاوزکارانه خویش هموار سازد . هیچ راهی برای دولت‌ها

و جنبش‌های ترقی‌خواه ، مگر اتحاد با یکدیگر و ایستادگی و مقاومت دلیرانه در برابر امپریالیسم آمریکا وجود ندارد .

دولت لیبی به تجربه انقلابی خود این راه را می‌شناسد و پیگیرانه در راه وحدت دولت‌های ترقی‌خواه و ضدامپریالیست منطقه تلاش می‌کند . دولت لیبی همچنین در مقابله با تهاجم امپریالیسم و ایستادگی در برابر این قدرت تجاوزگر تردیدی به خود راه نمی‌دهد .

کشور کم‌جمعیت لیبی به خاطر رهبری ضدامپریالیست و ترقی‌خواه آن امروز به مثابه یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جنبش‌های رهایی‌بخش آفریقا و آسیا ، مورد حمایت همه خلق‌ها و دول ترقی‌خواه جهان است و به همین نسبت نیز مورد خشم و نفرت امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه است . دولت لیبی امروز به مثابه حامی وفادار انقلاب فلسطین و جنبش‌های رهایی‌بخش آفریقا و آسیا ، تکیه‌گاه دول ضدامپریالیست منطقه و دشمن پیگیر رژیم‌های ارتجاعی منطقه ، به صورت یکی از سنگرهای مقدم مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم در آمده است . امپریالیسم آمریکا به خاطر همین نقش حساس دولت لیبی است که دیوانه‌وار در تلاش تضعیف و سرنگونی این دولت برآمده است .

معمّر قذافی که هنگام تجاوز هوائی آمریکا به قلمرو لیبی ، در تلاش برای وحدت دولت‌های ترقی‌خواه اتیوپی و یمن جنوبی ، در عدن به سر می‌برد ، پس از تهاجم آمریکا به قلمرو لیبی چنین گفته است :

" امپریالیسم آمریکا با آتش بازی می‌کند . امپریالیسم آمریکا صلح جهان را تهدید می‌کند . قذافی چنین ادامه داد :

" خلیج سیرا تا موقعی که آخرین زن یا مرد لیبیائی زنده‌است ، پاره‌ای از قلمرو لیبی خواهد بود ... ایالات متحده نمی‌تواند

مرزهای لیبی را تغییر دهد ، هرگاه امپریالیسم آمریکا به تجاوز علیه لیبی ادامه دهد ما جنگ یا آمریکا را می‌پذیریم .

قذافی که همواره بر ضرورت وحدت نیروهای ترقی‌خواه در برابر امپریالیسم تاکید دارد در ادامه سخنان خود گفت :

" ... و اگر سازمان پیمان آتلانتیک ، قصد دخالت داشته باشد ، ما نیز در جهان دوستان خود را به کمک فراخواهیم خواند .

رهبر لیبی که روز پنج‌شنبه ۲۹ مرداد یمن جنوبی را ترک کرد و به اتیوپی وارد شد اعلام داشت که مانور نظامی ناوگان ششم آمریکا در آب‌های لیبی نقشه‌ای از پیش طراحی شده برای تجاوز به این کشور بوده است . او به این مطلب اشاره کرد که رسانه‌های گروهی آمریکا پیش از آغاز این مانور با آب و تاب زیاد از آن صحبت کرده و توجه مردم آمریکا و مردم دیگر ممالک عضو پیمان آتلانتیک را بدان جلب کرده بودند . قذافی بار دیگر بر سقوط یک جنگنده اف ۱۴ آمریکائی توسط نیروی هوائی لیبی تأکید کرد و گفت که دستگاه‌های اطلاعاتی لیبی مکالمات تیم نجات ناوگان ششم را که به دنبال خلبانان آمریکائی می‌گشتند ضبط کرده‌اند .

از تجاوز بیشرمانه

امپریالیسم آمریکا

به قلمرو لیبی

چه درسی باید گرفت ؟

این تجاوز نشان داد که دولت ریگان حتی به قیمت از میان بردن صلح جهان و ایجاد یک جنگ عالم سوز جهانی و به قیمت نابودی صدها میلیون نفوس بشری ، می‌خواهد علیه دولت‌های ضدامپریالیست و ترقی‌خواه جهان ، به ویژه دولت‌های

که در منطقه خاورمیانه و پیرامون آن قرار دارند ، وارد عمل شود .

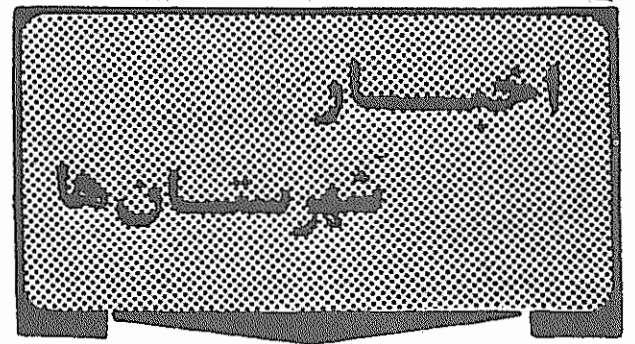
تجاوز بیشرمانه آمریکا علیه لیبی را هرگاه در کنار افزایش روزافزون حضور نظامی این دولت در خلیج فارس ، افزایش تهاجمات نظامی دولت صهیونیستی علیه مردم فلسطین ، لبنان و سوریه و تلاش مستمر امپریالیسم برای ایجاد کانون‌های تشنج و درگیری در درون ایران و در مرزهای میهن بگذاریم ، نقشه تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا علیه خلق‌های منطقه و انقلاب‌های رهایی‌بخش منطقه بهتر نمایان می‌شود .

امپریالیسم آمریکا خوب می‌داند که ضربه زدن به هر یک از دولت‌های ترقی‌خواه ، ضربه به همه آنهاست . تهاجم علیه انقلاب لیبی و فلسطین نمی‌تواند تهاجم علیه انقلاب ایران نباشد ، همان گونه که تهاجم علیه خلق ما نمی‌تواند تهاجم علیه خلق‌های فلسطین ، سوریه ، عراق ، افغانستان ، لبنان و لیبی محسوب نشود . همه این انقلاب‌ها و دولت‌های ضدامپریالیست منطقه پشت جبهه هم و یار و یاور هم محسوب می‌شوند . این واقعیتی است که چه بخواهیم و چه نخواهیم ، چه بدانیم و چه ندانیم در خارج از ذهن ما وجود دارد .

درسی که باید از تجاوز بیشرمانه دولت ریگان علیه لیبی گرفت ، درست همان درسی است که می‌باید از تجاوز آمریکا به قلمرو ایران و ماجرای طیس‌گرفت ، همان درسی است که باید از تجاوزات بیشرمانه صهیونیسم علیه مردم فلسطین ، سوریه و لبنان گرفت ، و آن این است :

دولت‌های ضدامپریالیست جهان ، خلق‌های ستمکش جهان باید در برابر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا متحد شوند باید در عمل و پیگیرانه یکدیگر را در برابر امپریالیسم آمریکا حمایت کنند . فقط با چنین اتحادی است که امپریالیسم آمریکا نخواهد توانست هم‌دست با رژیم‌های ارتجاعی منطقه دولت‌ها و جنبش‌ها را جدا از یکدیگر تضعیف و یا سرکوب کند .

درس دومی که باید از



آیت‌اله صدوقی امام جمعه یزد:

کسانی که بر روی مردم سلاح نکشیده‌اند کيفر آنها اعدام نیست

یزد - آیت‌اله صدوقی امام جمعه و نماینده امام در استان یزد در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی نظرات خود را پیرامون بازسازی مناطق زلزله‌زده و جریانات اخیر کشور اعلام داشتند. در بخشی از این مصاحبه آیت‌اله صدوقی در پاسخ به سؤال خبرنگار در مورد ترور شخصیت‌ها و بمب‌گذاری‌های اخیر می‌گوید: "دادسرای انقلاب هم باید قاطعانه‌تر عمل کند و آنان که با اسلحه به مردم حمله کردند صددرد اعدام شوند و کسانی که با آنها همکاری می‌کردند و رو در رو نشده‌اند و سلاح به روی مردم نکشیده‌اند، آنها هم به هر نحوی که دادسرای انقلاب صلاح می‌دانند برای آنها کيفر قائل شوند مسلم است که کيفر آنها اعدام نیست ولیکن شاید کيفرشان از قبیل حبس یا تبعید باشد و بعضی هم که قابل عفو و بخشش هستند آنها را بعد از نصیای کامله آزاد کنند ولی باید صددرد اطمینان کامل پیدا کنند که دومرتبه دست به خلاف‌کاری نزنند."

تشکیل "شورای ده" در روستای کرد نشین و کارشکنی‌های عوامل قاسملو

میاندوآب - اهالی روستای "کوخان" واقع در ۵ کیلومتری میاندوآب در تاریخ دهم مرداد ۶۰ در مسجد روستا اجتماع کردند و ۵ نفر را به عنوان اعضای شورای ده انتخاب کردند یکی از وظایف شورای ده توزیع نفت، خواربار و تامین نیازهای اولیه روستائیان است. در تاریخ پانزدهم مرداد ۶۰ اعضای شورای ده به هر خانوار ۲۰ لیتر نفت و ۵ کیلو برنج و بعضی کالاهای دیگر را تحویل دادند. برخوردارا صولی فرماندار مهاباد و ارگان‌های انقلابی با نمایندگان شورا و تامین نیازهای روستائیان موجب همبستگی اهالی و حمایت آنان از جمهوری اسلامی گردیده است. عناصر وابسته به باند قاسملو و ضدانقلابیون که از تشکیل شورا به هراس افتاده‌اند، می‌کوشند میان روستائیان تفرقه بیندازند. چند روز پس از تشکیل شورا یکی از افراد باند قاسملو به روستا می‌آید و می‌گوید روستائیان باید ده‌درصد از گندم خود را به رایگان در اختیار باند قاسملو قرار دهند. وی سپس چند گونی خالی به روستا می‌فرستد و

زده‌اند. امید است هیات پاکسازی با رسیدگی به سوابق و عملکرد عناصر ضدانقلابی و مشکوک و تحویل آنان به دادگاه انقلاب در تقویت نیروهای انقلابی و انسجام آنان برای مبارزه با ضدانقلابیون و سرو سامان دادن به اوضاع منطقه کوشش نمایند.

برخورد دمکراتیک!

یکی از جوانان عضو "به‌کیت‌تی‌لاوان" (سازمان جوانان) باند قاسملو در یک جلسه حزبی سئوالی در رابطه با وضعیت مشکوک وابستگان به قاسملو و ارتباط آنان با صدام و سلطنت‌طلبان، مطرح می‌کند. در پاسخ به وی می‌گوید تو "جاش هستی". او جواب می‌دهد "جاش کسانی هستند که با دارودسته صدام رابطه دارند". به دنبال این گفتگو جوان مزبور را دو روز زندانی می‌کنند و سپس از سازمان جوانان اخراج می‌نمایند. در حال حاضر وی از طرف حزب دمکرات تحت تعقیب است.

اخبار کوتاه

* در تاریخ بیست و دوم مرداد ۶۰، امیر اسماعیل بیگی عموزاده جهانگیر دری (خان منطقه صومای برادوست) توسط سپاه دستگیر می‌شود. وی عامل فرار هژبریزدانی و سرهنگ سپهر از ایران بوده و با ضدانقلاب همکاری نزدیک دارد. گویا با وساطت استاندار و حاجی جعفر حاتمی و شمس‌الدین علی‌بیگی (افسر نیروی هوایی) این عنصر ضدانقلابی آزاد شده است. پاسداران به این اقدام اعتراض کرده و خواهان پیگیری مساله شده‌اند.

* به قرار اطلاع گروهی از دانشجویان کرد که برای امتحان ایدئولوژی به ارومیه آمده بودند در روز سوم مرداد ماه مورد حمله افراد کمیته قرار می‌گیرند و ۲۰ نفر از آنها که از روی عکس‌هایشان شناسایی شده بودند، دستگیر می‌شوند.



تقاضای گندم می‌کند، اما اهالی روستای کوخان با کمک شورای خود در برابر این اقدام غارتگرانه مقاومت می‌کنند. همچنین "حزب" به روستائیان اخطار کرده است که در ازای هر هکتار زمین می‌بایست ۷۰ تومان بپردازند. یکی از دستجات وابسته به باند قاسملو نیز به پیروی از سیاست ضدانقلابی رهبران دمکرات به روستائیان اعلام نموده‌است که باید از آنان اسلحه بخرند! محافل ضدانقلابی می‌کوشند با اینگونه اقدامات مردم را خسته کنند و مانع فعالیت شورای ده شوند، اما روستائیان که با اعمال غیر انسانی و ضد خلقی عناصر وابسته به باند قاسملو آشنایی دارند، از اقدامات شورا پشتیبانی می‌کنند. حمایت مسئولان و ارگان‌های انقلابی از این شورا و تقویت اینگونه شوراها می‌تواند در خنثی نمودن توطئه‌ها موثر باشد.

* - ضمناً در اوایل تیرماه یکی از رفقای هوادار سازمان که سرباز می‌باشد و برای گذراندن مرخصی به نزد خانواده خود در روستای "کوخان" رفته بود، به وسیله ایادی قاسملو دستگیر می‌شود که با ضمانت ۱۶۰ هزار تومان آزاد می‌گردد. در مدت بازداشت، افراد باند قاسملو به وی اهانت کرده و سراغ دیگر رفقای هوادار سازمان را می‌گرفتند.

"معبودی" جنایتکار را محاکمه کنید

زحمتکشان روستاهای کرد نشین آذربایجان و تمامی کسانی که از جنایات "معبودی"، مراد قطاری و عمال آنان آگاهی دارند، خواهان محاکمه انقلابی و اعدام این عنصر پلید هستند. اخیراً فرزندان و بعضی از ایادی "معبودی" جنایتکار با به راه انداختن تظاهرات در نرده و حتی اجتماع در مقابل دادگاه انقلاب تبریز خواستار آزادی وی شده‌اند! همچنین شایع شده که ممکن است "معبودی"، کسی که دستش به خون ده‌ها زن و مرد و کودک بی‌گناه آغشته است، به زودی آزاد شود. با توجه به اقدامات ایادی "معبودی" و وجود شایعه آزادی وی، لازم است دادگاه انقلاب تبریز با تسریع در محاکمه "معبودی" این عنصر جنایتکار را به سزای اعمال ننگینش برساند و با شدت هرچه تمامتر همدستان و شرکای جرم او را دستگیر نماید.

پاکسازی عوامل مشکوک و ضد انقلابی

شورای فرماندهی ارومیه

ارومیه - در اواسط مردادماه هیاتی جهت پاکسازی شورای فرماندهی ارومیه از تهران به ارومیه آمد. اعزام این هیات به دنبال گزارشها و درخواست‌های مکرر نیروهای انقلابی که خواهان اخراج و بازداشت عناصر ضدانقلابی و مشکوک بودند، صورت گرفت. عناصر مشکوکی چون، فلاح، حاج عباس صادقی، مولودی، حسن حسینی، حاج صادق لکی، (انباردار کمیته) تاکنون ضربات جدی به تشکل نیروهای انقلابی

مردم از دولت بجای وعده، عمل میخواهند

"وضع در ایران به صورتی بوده است که حقوق حقه کارگران و رعایا را سرمایه‌داران بزرگ و مالکین بزرگ برده‌اند و امروز هم دارند می‌برند. بدین جهت آنان مالک کارخانه‌ها و زمین‌های خود نمی‌باشند ما همه آنان را پای میز محاکمه می‌کشیم. مایملک و سرمایه آنان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و حقوق حقه مردم محروم را که عمری است مالکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند، به محرومین بازپس داده می‌شود." (امام خمینی)

این سخنان ارزشمند رهبر انقلاب نشانگر موضعی است که انقلاب ایران در مرحله کنونی رشد و تکامل خود باید اتخاذ کند. مرحله‌ای که با عزل بنی‌صدر و در اختیار گرفتن تقریباً کامل قدرت سیاسی توسط نیروهای پیرو خط امام آغاز شده است و در صدر آن پاسخگویی به مسائل اساسی و بنیادی توده‌های مردم، اصلاحات عمیق اقتصادی - اجتماعی به نفع محرومین قرار دارد.

واقعیت این است که دیگر نمی‌توان بیش از این در حل مسائل و مشکلاتی که زندگی زحمتکشان میهن‌ما را تهدید می‌کند، تعلل و سستی و تاخیر روا داشت. توده‌های محروم مردم، این صاحبان اصلی انقلاب، نزدیک به دو سال و نیم است که با تحمل همه دشواری‌ها و تنگ‌دستی‌ها، بدون تزلزل و با نثار خون خویش از انقلاب در برابر انواع توطئه‌گری‌های امپریالیسم امریکا، جبهه ضدانقلاب داخلی، سازشکاران و خیانت‌پیشگان دفاع کرده‌اند. هر زمان که رهبران و مسئولان خط امام در تنگنا قرار گرفته‌اند با حضور یکپارچه خویش در خیابان‌ها و میادین به حمایت از آنان در برابر "امریکای جهان‌خوار و ایادیش" برخاسته‌اند، در جبهه‌ها خون داده‌اند، در کارخانه‌ها عرق ریخته‌اند در مزارع جان کنده‌اند و بر تحریم اقتصادی چیره گشته‌اند و... خلاصه در دو جبهه کار و پیکار

قهرمانانه و آنچنان که شایسته خلقی است که می‌خواهد آزاد و مستقل زندگی کند، جنگیده‌اند امام خمینی در دیدار اخیرشان با رئیس‌جمهور و اعضای کابینه بر این واقعیت صحنه گذارده‌اند:

"اینها (مردم) کار خودشان را کردند و انصافاً از اول انقلاب تا حالا آنکه کار خودش را صددرصد صحیح انجام داد، ملت بود. ملت صددرصد کارش را خوب انجام داد... اکنون نوبت آقایان است"

به راستی دیگر "نوبت آقایان" است تا با پاسخگویی سریع، قاطع و انقلابی به خواست توده‌های مردم، دست به اصلاحات و اقدامات اساسی به نفع آنان زده و شرایط دشوار و مشقت‌بار زندگی میلیون‌ها زحمتکش را بهبود و بازهم بهبود بخشند. دیگر نمی‌توان و نباید اجازه داد که مشتی سرمایه‌دار و ملاک بزرگ به بهای فقر و فلاکت توده مردم جیب‌های گشاد خود را انباشته سازند و منبع دائمی توطئه و خرابکاری برای انقلاب نیز باشند. سودهایی که در عرض یک سال به شهادت نمایندگان مجلس به ۱۲۵ میلیارد تومان بالغ شده است! اکنون وقت آن است که میوه انقلاب بر درخت خانه زحمتکشان که بر اثر غارتگری و چپاول مشتی سرمایه‌دار وابسته و تاجر عمده بازار رو به ویرانی است، به‌بار نشیند و "محرومان" و مستضعفین "تأثیر انقلاب را در بهبود شرایط مشقت‌بار زندگانی خود ببینند و لمس کنند امام خمینی با تاکید اهمیت همین امر خطیر است که به مسئولین مملکتی هشدار می‌دهند:

"شما باید برای این پابره‌نه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را چه حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند، خدمت کنید" این پابره‌نه‌ها و مستضعفین

خدمت کرد "و برای اینکه بتوان "حقوق حقه مردم محروم را که عمری است ملاکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند به محرومین بازپس داد" باید، پایگاه‌ها و اهرم‌های اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکین را از چنگ آنان خارج ساخته و آن را در جهت بازسازی کشور و برقراری نظام اقتصادی - اجتماعی خلقی، مردمی و ضدامپریالیستی به‌کار گرفت. جز این هیچ راهی وجود ندارد گوشش در جهت برقراری نظام اقتصادی اجتماعی نوین متکی و در خدمت به محرومین جامعه، از طریق خلعید از مواضع اقتصادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته، اجرای قاطعانه و انقلابی اصلاحات ارضی پویژه بند "ج" و "د" آن، ملی کردن تجارت خارجی، ایجاد و گسترش تعاونی‌های توزیع، ادامه پیگیری ملی کردن صنایع برقراری امنیت اجتماعی و مردمی، در یک کلام اجرای کامل قانون اساسی و تامین عدالت اجتماعی، این مرحله کنونی انقلاب و دولت برخاسته از آن.

مسئولین طراز اول مملکتی و نیروهای ضدامپریالیست بر این وظیفه بسیار مهم، به ویژه پس از تشکیل کابینه جدید، بارها صحنه گذارده‌اند. آیت‌اله منتظری در پیام خود به نخست‌وزیر ابراز امیدواری کرده‌اند که دولت:

"با انجام خواسته‌های مشروع محرومین و مستضعفین انقلاب اسلامی را به مراحل عالی و بالاتری برساند." حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه مشترکی که به مناسبت تشکیل کابینه جدید منتشر کرده‌اند تاکید نموده‌اند که:

توقعات به‌حق ملت و خواست‌های راستین مستضعفین بی‌هیچ بهانه‌ای باید پیگیری شود "و" در راس برنامه‌هایمان اجرای دقیق اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی قرار گیرد" بسیاری از نمایندگان مجلس خواستار پاسخگویی جدی به مشکلات مردم

شده‌اند. سازمان‌ها و احزاب انقلابی نظیر سازمان ماسخ‌گویی سریع به نیازهای اساسی انقلاب را بارها و بارها یادآور شده و از هر اقدامی که در این جهت صورت گرفته قاطعانه حمایت کرده‌اند و بالاتر از همه امام خمینی رهبر انقلاب با تاکید مکرر این وظیفه خطیر را به دولت مردان خاطرنشان کرده‌اند:

"مردم به جای برنامه دادن عمل می‌خواهند، هیچ دیگر شما عذری ندارید و ما هیچ عذری نداریم. اشکال در ماهاست. باید ما جواب مردم را بدهیم."

راه برای انجام اقدامات اساسی به نفع محرومان باز است. این را امام تاکید کرده‌اند و مردم می‌خواهند شرایط برای انجام چنین اقدامات و اصلاحاتی از سوی دولت و دیگر نهادهای مسئول از هر باره آماده‌تر است و "هیچ عذری" برای سامحه‌کاری وجود ندارد.

لیبرال‌ها و طرفداران خط سازش که همواره مانع عمده‌ای در جهت پاسخگویی به نیازهای توده‌های مردم بوده و به طرق گوناگون در جهت حمایت از سرمایه‌داران و زمین‌داران و بازسازی نظام پیشین کوشیده‌اند، به همت مردم آگاه و هوشیار ما تا حد بسیار زیادی از مواضع قدرت رانده شده و دیگر در ارگان‌های حساس جمهوری اسلامی نقش‌قابل ملاحظه‌ای ندارند. بر اثر پیروزی بر سازشکاران و عزل بنی‌صدر، ریاست جمهوری، کابینه جدید و مجلس شورای اسلامی با هم هماهنگ گشته و در خط امام عمل می‌کنند. مشکلات موجود میان کابینه قبلی با رئیس‌جمهور معزول دیگر وجود ندارد. امام، توده‌های مردم و همه نیروهای انقلابی تا آنجا که رئیس‌جمهور، کابینه و مجلس به مردم وفادار بمانند از آنان فعالانه حمایت می‌کنند و از این‌رو است که می‌گوئیم دیگر هیچ‌گونه تعلل و سستی در پاسخگویی به نیازهای زحمتکشان جایز نیست.

برخورد قاطع دولت با

آنچه امام آن را "خدمت به مستضعفین" نامیده‌اند، نه تنها امکان واقعی را برای تامین رفاه زحمتکشان فراهم می‌سازد، بلکه جهشی عظیم در جهت حفظ و حراست از استقلال میهن و غلبه بر توطئه‌گری جبهه براندازی بسرکردگی امریکای جهان‌خوار می‌باشد. تجارب تمامی انقلابات در جهان ثابت کرده است که اگر این انقلاب قادر شود زندگی مردم را بهبود بخشد، و آزادی و امنیت را برای مردم فراهم سازد، دیگر هیچ نیرویی قادر نیست توده‌های مردم ما را از حمایت از انقلابشان باز دارد. در چنین وضعی هر توطئه دشمن با حضور یکپارچه مردم در صحنه درهم می‌شکند و انقلاب به سیر بی‌بازگشت گام خواهد گذاشت. مابه سهم خو خواستار یک چنین آینده‌ای برای انقلاب هستیم و با تمام توان نیز در راستای تحقق آن می‌کوشیم.

اما هرگاه علیرغم خواست مردم، امام و نیروهای انقلابی، دولت در "خدمت به مستضعفین" دچار سستی، تعلل، ناپیگیری قشری‌گری و انحصارطلبی که سرانجام به انحراف از مسیر اصلی انقلاب خواهد انجامید، گردد سرنوشت انقلاب به خطر خواهد افتاد، مردم خسته و مایوس خواهند شد و در بدترین حالت، شکست دور از انتظار نخواهد بود، مسئولیت چنین شکستی بی‌شک بر عهده آن مسئولینی است که علیرغم رای اعتماد مردم بدانان نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند پاسدار صدیق و وفادار خون دهها هزار شهید و خدمتگزار محرومان جامعه باشند و پر واضح است که خلق، خلق قهرمان و ایثارگر ما نیز چنین مسئولین و رهبرانی را نخواهد بخشید این قانون انقلاب است. "انقلاب این‌طور است وضع انقلاب این‌طوری است که مردم دیگر سربسته و در بسته تسلیم کسی نمی‌شوند"

محدودیت فعالیت سیاسی سازمانهای مدافع انقلاب را از میان بردارید

چگونگی برخورد دولت آقای باهنر با مسئله آزادی‌های سیاسی و گام‌های عملی که در این راه برخواهند داشت، یکی از معیارهای مهم مردم برای قضاوت درباره عملکرد کابینه ایشان است.

جمهوری اسلامی درباره آزادی فعالیت

احزاب و سازمانهای سیاسی چه می‌گویند؟

● " احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند." (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

● " کلیه آحاد ملت و دستگاه‌های انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه‌هایی که فعالیت‌شان از طریق مقامات مسئول مملکتی غیرقانونی اعلام نشده، هستند"

● " کلیه احزاب و گروه‌ها اجازه مناظره و بحث‌های عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا هستند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر نداده‌اند." (از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای داستانی انقلاب)

احزاب و سازمانها به سه دسته تقسیم می‌شوند.

- ۱- احزاب مسلمان پیر و خط همه‌جانبه امام‌و ولایت فقیه
- ۲- احزاب مخالف و حاضر به فعالیت در چارچوب قانون
- ۳- احزاب و گروههای محارب

از برنامه وزارت کشور

احزاب هنوز اجرای عملی آنها بدون هیچ دلیل موجه به تاخیر افتاده‌است. هنوز فعالیت علنی احزاب و سازمان‌های قانونی تأمین نشده است و هنوز نشریات این سازمان‌ها امکان انتشار قانونی نیافته‌اند. احزاب و سازمان‌های وفادار به انقلاب و قانون اساسی تا به حال نشان دادند که پیوسته در خط انقلاب در کنار توده‌های مردم و افشاگر چهره و اعمال امپریالیسم و ایادی رنگارنگ آن بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران و کابینه آقای باهنر اکنون می‌بایست در این زمینه گام‌های عملی و اساسی بردارد. می‌بایست موجباتی فراهم آید تا تمامی پتانسیل و توان احزاب و سازمان‌های انقلابی در جهت تعمیق انقلاب، مبارزه با امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی و در جهت آگاهی بخشیدن به توده‌های مردم به کار افتد. چنین امری یقیناً گام بسیار ارزنده‌ای در تأمین وحدت نیروهای مدافع انقلاب و استحکام بخشیدن به پایه‌های مردمی این انقلاب است. چگونگی برخورد دولت آقای باهنر با این مهم و گام‌های عملی که در این راه برخواهند داشت یکی از معیارهای مهم مردم برای قضاوت درباره عملکرد کابینه ایشان است.

به فعالیت سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکتی باشند" اعلام می‌دارد:

" دولت آزادی‌های قانونی این دسته را تضمین می‌نماید"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از اقدامات مثبت و ترقی‌خواهانه جمهوری اسلامی در تضمین آزادی فعالیت‌های سیاسی استقبال می‌کند. سازمان ما

مواضع روشن خود را در تأیید قانون اساسی، اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی و لایحه احزاب اعلام داشته است. سازمان ما

تأمین آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب و مدافع قانون اساسی را ضرورت انقلاب می‌شمارد. سازمان ما از آقای

رجایی و باهنر و وزیر کشور می‌خواهد که موانع غیرقانونی ایجاد شده در راه فعالیت آزادانه سازمان ما و دیگر سازمان‌ها و احزاب مترقی و انقلابی را از میان بردارند.

واقعیت این است که ماهها پس از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای و مدت‌ها پس از تصویب قانون

آزادی فعالیت‌های سیاسی یکی از اهداف مهم انقلاب خونین مردم ما بوده است. تأمین این آزادی‌ها نه تنها

منطبق با اهداف انقلاب، بلکه لازمه تحکیم و تعمیق آن است. قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت بر تأمین این آزادی‌ها تأکید

داشته و اعلام می‌دارد: " احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یـا

اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند"

اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب و همچنین لایحه احزاب علیرغم پاره‌ای نارسایی‌ها و ابهامات نیز

ضرورت تأمین این آزادی‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند. اعلام برنامه دولت آقای

باهنر و تأکید وزارت کشور بر رعایت آزادی‌ها بود. در این برنامه، وزارت کشور

ضمن تقسیم گروه‌های سیاسی به سه دسته درمورد " احزاب و گروه‌های مخالفی که حاضر

بمانند"

بمانند"

بمانند"

بقیه از صفحه ۱۱

هم‌پیمانی رژیم فاشیستی عراق...

باید به شکل وسیعی در کلیه مناطق کشور و در میان توده‌ها منعکس شود.

برای رهایی خلق ما و بازگشت عظمت میهن و خلق عراق و بازداشتن فرزندانمان از این سرنوشت مجهول از ما خواسته می‌شود که با تحرک سریع و ابتکارات درست برای تحقق وظایف زیر فعالیت کنیم:

- توقف جنگ علیه کشور همسایه ایران و خروج ارتش عراق از کلیه سرزمین‌های اشغال شده ایرانی و حل اختلافات از طریق مذاکره.

بوجود آوریم. ما فعالانه در مبارزه جنبش رهاییبخش ملی عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع شرکت می‌کنیم.

درد بر حماسه‌آفرینان مقاوم در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های عراق.

- درود بر برادران کرد و خانواده‌پیشمرگان کرد که به عنوان گروگان، فرزندانمان در زندان دهوک نگهداری می‌شوند و در ۱۹۸۱/۵/۲۴ به عنوان اعتراض به بازداشت خویش و به کار گرفتن اسلوب‌ها و شیوه‌های غیرانسانی از جانب ارگان‌های رژیم علیه آنها دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

- درود بر رزمندگان کوه‌های کردستان که در مبارزه و شجاعت حماسه‌های تازه آفریدند.

عظمت و پایداری برای شهیدان جنبش ملی - دمکراتیک عراق

اتحادیه زنان عراقی بغداد - اواخر تموز (ژوئیه) ۱۹۸۱

- آزادی کلیه بازداشت‌شدگان و زندانیان میهن‌پرست، کوشش برای تعیین سرنوشت مفقودشدگان.

- متوقف کردن فوری مهاجرت دادن اجباری مردم و بازگشت کلیه مهاجرین عراقی به میهن خویش و خانه و کاشانه خود و جبران مصیبت‌هایی که به آنها وارد آمده‌است.

- متوقف کردن فعالیت وحشیانه رژیم علیه خلق کرد در کردستان عراق و احترام به حقوق ملی و مشروع خلق کرد.

- لغو کلیه قوانین ظالمانه و احترام به حقوق انسانی و دمکراتیک زنان عراقی.

- مجازات قاطعانه عاملان سرکوب جنبش ما و مجرمین جنگ تجاوزکارانه.

باید کلیه توانایی‌های خود را برای نجات میهن عزیز از ستم حکومت فاشیستی و دیوانه و پایان دادن به جرائم وحشیانه و تحقق آرزوهای متعالی برای بنای فردای درخشان به کار گیریم. و عراقی آزاد و دمکراتیک را که زندگی شرافتمندانه‌ای را برای ابنای ملت تأمین کند

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علبه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۶

پاداش افزایش ...

کشورمان پایه‌ریزی نموده و استحکام بخشیم. این اقدام بزرگی خواهد بود در جهت افزایش همه‌جانبه تولید و قطع وابستگی. مسئله مدیریت و برنامه‌ریزی واحد تولیدی نیز عامل مهمی است که باید بدان توجه لازم شود تلاش جمعی نیروی کار بدون وجود برنامه و اعمال مدیریت کارآمد و متعهد به انقلاب در تامین نیازهای داخلی و به تبع آن قطع وابستگی اقتصادی اثرات قابل توجهی نخواهد گذاشت. بنابراین به‌کارگیری مدیران مسئول و متعهد به انقلاب در واحدهای تولیدی و برکناری مدیران لیبرال و ضدانقلاب که خود عوامل موثری در امر کاهش تولید و افزایش وابستگی هستند، امری ضروری و مبرم است. همچنین باید با اجرای اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی و تثبیت قانونی شوراها به کارگران اجازه داد در دفاع از دستاوردهای ضد-امپریالیستی و مردمی انقلاب و مبارزه به خاطر گسترش روند آن از طریق مشارکت انقلابی در اداره امور واحدها و به وسیله شرکت فعالانه در طرح‌ریزی برنامه‌ها و تعیین خط مشی‌ها و سازماندهی امر تولید و مبارزه با اخلاگری‌های سرمایه‌داران و مدیران ضد انقلابی و لیبرال مصممانه تلاش نمایند.

امید است همان‌طور که در مقدمه طرح عنوان شده است این مقررات (طرح پرداخت پاداش) پایه و زمینه مناسبی برای تدوین و اجرای قانون نوینی گردد. قانون کار و تامین اجتماعی انقلابی و نوینی که به همت میلیون‌ها کارگر انقلابی میهنان و از طریق مشارکت دمکراتیک تشکلهای واقعی کارگری باید تدوین شده و به اجرا درآید.

بازدهی کار و سطح باروری بطور کلی تابع عوامل متعددی است که بدون توجه به آن اجرای طرح " پرداخت افزایش تولید نمی‌تواند چندان موثر افتد چه ، "افزایش بازدهی نیروی کار ، بستگی به مهارت متوسط کارگران ، توسعه سطح علوم و فنون و درجه کاربرد پیشرفت‌های علمی در صنعت ، ترکیب اجتماعی روند تولید ، درجه کارایی ابزار تولید و بالاخره شرایط طبیعی آن دارد. (مارکس)

سطح آموزش فنی و مهارت نیروی کار در روند تولید اثرات زیادی بر جای می‌گذارد. بنابراین توجه به نیروی کار کارگر بدون آموزش دادن به آن چندان نمی‌تواند حتی با پرداخت پاداش‌های مادی بر تولید بیفزاید. پس لازم است در قراردادهای دسته‌جمعی کار به مساله آموزش کارگران و تهیه امکانات آموزشی توجه کافی مبذول شود. از طرف دیگر به‌کارگیری علوم و فنون و تکنولوژی نوین در روند تولید ، استفاده از ماشین‌های دقیق و اتوماتیک خود عامل موثری است در افزایش تولید. بر مسئولان مملکتی است که با برنامه‌ریزی دقیق و با بررسی کمبودها و نیازهای آتی اقدامات موثری در جهت سرمایه‌گذاری‌های اساسی و ایجاد صنایع سنگین و کلیدی و واسطه برای تغذیه صنایع مصرفی معمول دارند و در تکمیل تکنولوژی صنایع موجود کوشش به عمل آورند. در این رابطه باید در راه ایجاد ارتباطی دوستانه با کشورهای متمدن و انقلابی و به‌ویژه کشورهای سوسیالیستی که منافع دو طرف را تضمین کند ، گام برداریم و با بهره‌گیری از امکانات تکنولوژی پیشرفته آنها صنایع سنگین و مدرن را در

اقدام کارگران کارخانجات منطقه زنجان برای کوتاه کردن دست تجار بزرگ و محن‌کوبین و تشکیل اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف کارگران

زنجان را زیر پوشش خود دارد و در صورت برخورد فعال و مسئولانه دست اندرکاران دولتی و حمایت فعالانه مراجع مسئول ، می‌تواند در آینده نزدیک نقش مهمی در تهیه و توزیع عادلانه کالاهای کمیاب و ضرور ایفا نموده و با کوتاه کردن دست تجار بزرگ و محن‌کوبین محلی ، بخشی از نیازهای کارگران و زحمتکشان منطقه را برآورده سازد.

تشکیل تعاونی‌های مصرف در کارخانجات و مهم‌تر از آن تشکیل اتحادیه‌ای که بتواند همه تعاونی‌های یک منطقه و بعد سراسر ایران را یکپارچه کند ، اکنون به ضرورتی مبرم و حیاتی بدل شده است. کارگران مبارز و انقلابی ایران با تشکیل تعاونی‌های کارگران (مصرف)

هفته گذشته نمایندگان شرکت‌های تعاونی مصرف کارخانجات استان زنجان ، جلسه‌ای در شهر صنعتی البرز (قزوین) با حضور مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی و نماینده وزارت کار تشکیل دادند. این جلسه با انتخاب ۷ نفر به عنوان هیئت مدیره و ۳ نفر بازرس اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف کارخانجات منطقه ، به پایان رسید. طی این جلسه تعاونی‌های کارگری فوق‌الذکر ، هیئت مدیره منتخب خویش را موظف نمودند که اساسنامه اتحادیه را تهیه نموده و برای تصویب به مجمع عمومی اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف ارائه دهد. این اتحادیه بیش از ۲۵ هزار کارگر کارخانجات منطقه

بقیه از صفحه ۹

ایجاد ...

مزایای کارجمعی آگاه شده و احساس‌کنند که ثمره کارشان متعلق به خودشان بوده و در بهبود آن نقش ایفا می‌کنند.

۵ - تجربیات همه انقلابات حاکی از این است که سیاست‌های دولت و ارگان‌های رهبری جامعه نقش بسیار با اهمیتی در ایجاد زمینه‌های پیشبرد و ارتقاء سطح همکاری‌های تعاونی خواهد داشت ، بعلاوه اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تخصیص امکانات و نیازهای تولیدی به تعاونی‌ها از طرف دولت به مثابه مانعی در مقابل رشد سرمایه‌داری در بخش کشاورزی ، همچنین اقدامات موثر و همه‌جانبه بر علیه فئودالیسم و بقایای آن تائیدیاتی تعیین کننده بر تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی خواهد داشت. در یمن دمکراتیک ، کنگو و آنگولا

دولت به عنوان شکل عمومی اقتصاد در کنار بخش دولتی بیشترین سعی خود را در تقویت و توسعه همه‌جانبه تعاونی‌ها در عرصه‌های گوناگون بخصوص در بخش کشاورزی متمرکز ساخته است. در الجزایر تعاونی‌های کشاورزی از انواع کمک‌های دولتی به صورت بذر ، کود ، وام و تکنیک‌های جدید و ماشین‌آلات سود می‌برند. بعلاوه دولت از طریق اجرای برنامه‌های بلندمدت آبیاری ، حفظ جنگل‌ها ، تسطیح زمین و غیره ، همچنین کنترل عمومی بر اعتبارات ، قیمت‌گذاری ، فروش و بیمه محصولات به حمایت از کشاورزی تعاونی می‌پردازد. بار دیگر تائید می‌کنیم که سیاست‌های دولت باید از همان ابتدای شکل‌گیری تعاونی‌ها در جهت تائیدین نهادهای کشاورزی و کمک‌های مادی و تکنیکی برای ایجاد تعاونی‌های آبیاری ، ایجاد مراکز اجاره ماشین‌آلات و تقلیل اجاره آنها برای تشویق روستائیان به کاربرد تکنولوژی جدید و احداث تعمیرگاه‌ها که بعداً بر پایه

آنها ایستگاه‌های ماشین و تراکتور گسترش یابند به عنوان اهم نیازهای کشاورزی سمت‌گیری نماید.

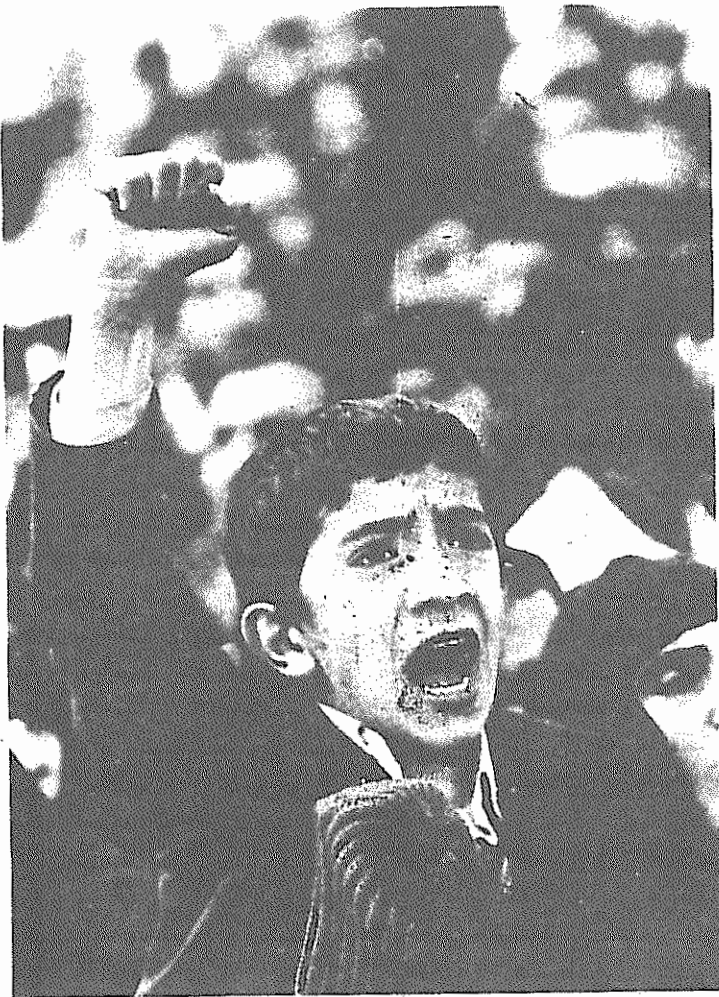
امروزه دیگر تجربیات انقلابات گوناگون و مبارزات خلق‌های تحت ستم اکثر کشورهای نواستقلال به اثبات رسانیده‌است که برای تغییر و تحولات انقلابی در عرصه روستاها ، برای افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود شرایط زندگی توده‌های میلیونی دهقانان زحمتکش و برای تائید خودکفایی و استقلال اقتصادی کشور ، ایجاد و گسترش همه‌جانبه تعاونی‌های تولید ، توزیع ، مصرف و اعتبار در بخش کشاورزی با کمک همه‌جانبه دولت و اتخاذ سیاستی اصولی در این زمینه از اهمیت اساسی و درخور توجه برخوردار می‌باشد ، باشد که مسئولین جمهوری اسلامی نیز با برخوردی جدی و مسئولانه با این اقدام مهم و حیاتی گام‌هایی مثبت و اساسی در جهت زدودن سال‌ها فقر و رنج از زندگی میلیون‌ها روستایی زحمتکش به جلو بردارند.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

بازدید از نمایشگاه بین‌المللی عکس (کودک، ایمان، رهایی)

آینده سازان



مرگ بر امپریالیسم



است مثبت و ارزنده در جهت شناساندن انقلاب و زوایای گوناگون دردها و مشکلات و وضعیت موجودمان. بهتر می‌نماید اگر مسئولین نمایشگاه اینگونه نمایشگاه‌ها را از حوزه‌های خاص نمایش خارج کرده و با کمک و همکاری نهادهای انقلابی، آن را برای کودکان و نوجوانان کلیه مناطق محروم میهنمان به نمایش بگذارند تا گروه‌های بیشتری با نحوه زندگی هم‌سالان هم‌وطن خود هر چه بیشتر آشنا شوند جمع‌آوری عکس‌هایی از زندگی کودکان طبقات مرفه و قرار دادن آنها در کنار عکس‌های فوق برای زنده‌تر نشان دادن محرومیت‌ها از یک سو و اثبات نقش گروه‌های محروم جامعه در پیروزی انقلاب و دفاع از آن بدون تردید به نمایشگاه‌مضمون ترقی‌خواهانه‌تری می‌بخشد. که به نظر می‌رسد نمایشگاه توجهی بدان نداشته است. با وجود این، برپایی این نمایشگاه قابل تقدیر است در کنار این نمایشگاه، نمایشگاه عکسی نیز با نام "کودکان عصر ما" برقرار است.

با پدران و مادران، مردان و زنان رنج‌کشیده و رزمنده این سرزمین حماسه و مقاومت در سرنگونی رژیم منحوس پهلوی فداکاری‌ها کردند و امروز نیز با تحمل مصائب و رنج‌های بسیار در جنگ تحمیلی عراق و در مقابله با توطئه‌های امریکسای جهان‌خوار از خود حماسه‌ها می‌آفرینند و با بستن نارنجک به خود و پرتاب خود به زیر تانک‌های دشمن قلب پر طیش و توفنده خود را در راه رهایی وطن هزار پاره می‌کنند!

نمایشگاه مذکور، بیانگر حقایق چنداز زندگی، کار مبارزه کودکان و نوجوانان وطنمان است. انعکاس حقایق و بررسی وضعیت موجود به مسئولین امور مملکتی کمک خواهد کرد تا به وضعیت دردناک و اسفبار این سازندگان آینده هرچه زودتر پایان دهند. بر مسئولین و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی است که با رسیدگی به وضعیت فعلی کودکان و تامین آموزش رایگان، بهداشت و رفاه کودکان موجب‌ترشد و شکوفایی آنان را فراهم آورند.

برپایی نمایشگاه عکس در ایران بعد از انقلاب حرکتی

از تاریخ ۱۱ مرداد ماه، نمایشگاه عکسی از محیط زندگی، شرایط سخت و طاقت‌فرسای کودکان کارگر روستازادگان محروم، فقر و تهیدستی حاصل از روابط ظالمانه نظام سرمایه‌داری و سلطه امپریالیسم جهان‌خوار بسرکردگی امریکا، شهادت و شجاعت‌های بی‌دریغ کودکان و نوجوانان نسل انقلاب در مقابله با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیست‌ها و شرکت فعالشان در انقلاب، به اهتمام هواپیمایی ملی ایران "هما" در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

این نمایشگاه که با مشارکت دهها هنرمند عکاس ایرانی و چندین سازمان و نهاد مملکتی به انجام رسیده. شت لحظاتی چند از زندگی کودکان رنج‌دیده و محروم میهنمان است. کودکانی که با دست‌های پینه‌بسته، کودکانی در کویر خستک و بر زمینی داغ در حال خواندن درس، کودکانی در کار سخت و طاقت‌فرسای کوره‌پزخانه‌ها کودکانی که با دست‌های کوچک و ناتوان در حال بافتن قالی‌ها، چهره‌هایی از کودکان و نوجوانان میهنمان که همدوش

بقیه از صفحه ۲۰

تظاهرات اعتراض آمیز زنان مبارز تهران در برابر ...



• حضور فعال زنان در عرضه مبارزات سیاسی بارها و بارها ثابت کرده است که انقلاب، این هم‌میهنان رنج‌کشیده ما را از کنج خانه‌ها بیرون کشیده و به شرکت فعال در حیات سیاسی میهن و تعیین سرنوشت خویش جلب کرده است. زنان مبارز و انقلابی نیز همواره و در همه جا به شایستگی از عهده انجام این وظیفه خطیر برآمده و دوشادوش برادران زحمتکش‌شان با قهرمانی و فداکاری از انقلاب و ثمرات آن دفاع کرده‌اند.

جمهوری اسلامی باید این جان‌بازی و فداکاری زنان قهرمان میهنمان را با به رسمیت شناختن کامل حقوق زنان و تامین برابری آنان در همه عرصه‌های زندگی با مردان ارج نهاده و بیش از پیش نیروی عظیم این توده انسانی را در جهت تحقق آرمان‌های والای انقلاب و زحمتکش‌شان آزاد ساخته و به‌کار گیرد.

جبهه اسلامی

بقیه از صفحه ۵

ضدانقلابیون افغانی هم آمادگی خود را برای پیوستن به این جبهه اعلام کرده‌اند برای رفع این نگرانی‌ها چه باید کرد؟ آیا باید نیروهای ترقی‌خواه به علت همین نگرانی‌ها در مقابل این پیشنهاد بایستند؟ به اعتقاد ما، با توجه به ترکیب تعادل نیروها این سیاست بیش از همه امپریالیستی‌ها و لیبرال‌های وطنی را خشنود خواهد ساخت. زیرا پیروزی آنها این است که ایران را در درون ایران خفه کنند. این سخن سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی (۱ شهریور) درست است که می‌گوید:

"آنها هرچه دارند برای منصرف کردن جمهوری اسلامی از پیشنهاد تشکیل چنین جبهه‌ای به کار گرفته‌اند". سیاست درست آن است که ضمن حمایت قاطع از این پیشنهاد با تمام تلاش‌های تفرقه‌اندازانه‌ای که می‌خواهند این جبهه را به مقابله با سایر نیروهای ترقی‌خواه بکشند مقابله کرد. ما از اتحاد ایران، لیبی، و سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورها و نهضت‌های ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قاطعانه حمایت می‌کنیم اما در عین حال نمی‌توانیم نگرانی خود را نسبت به فعالیت مخرب عناصر تفرقه‌افکن پنهان سازیم، عناصری که می‌کوشند و در آینده نیز بیشتر خواهند کوشید که جبهه اسلامی را در برابر جبهه پایداری قرار دهند و سازمان آزادیبخش فلسطین را از میدان به‌در کنند. ما و بسیاری از نیروهای مترقی جهان هیچ یک با تمام زاویه نگرش آقای باهنر به مسأله موافق نیستیم که می‌گویند:

مکرر به برادران فلسطینی گفتیم که تا مبارزه فلسطین از محدوده آرمان‌های ناسیونالیستی بیرون نیاید و به محتوای ایدئولوژیکی اسلامی متکی نشود نمی‌تواند به‌طور قاطع پیروز شود. ما این پیشنهاد را به برادران فلسطینی و کشورهای خط مقدم جبهه و کشورهای دوست در منطقه داده‌ایم که جبهه اسلامی با محتوا و آرمان اسلامی تشکیل بشود

در این مورد ما سخنان فلسطین را واقع بینانه‌تر می‌پاییم که می‌گوید:

اندیشه یک جبهه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی اندیشه درستی است و می‌افزاید:

"هر انسان مومن به عدالت و حق باید نیروهای خود را برای آزادی قدس بسیج کند. هنگامی که توانستیم قدس را آزاد کنیم، پس از آن توده‌های فلسطینی هستند که طبیعت و ماهیت رژیم سیاسی را که مایل باشند انتخاب خواهند کرد.

وظیفه جمهوری اسلامی این است که از مبارزه خلق فلسطین پشتیبانی کند، زیرا انقلاب فلسطین نیروی پیش‌تاز رزمنده برای آزادی فلسطین است. بیشتر آنان مسلمان هستند و در میانشان یهودی و مسیحی هم هست. ولی شما به انقلاب فلسطین کمک کنید... تشکیل یک جبهه اسلامی که کمک کند به مبارزه مسلحانه فلسطین و پشتوانه چنین مبارزه‌ای باشد روحیه مبارزان فلسطین، به‌ویژه مومنین و روحیه انقلابیون را تقویت خواهد کرد.

(جمهوری اسلامی ۳۱ مرداد ۶۰)

با این امید که پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در مورد تشکیل جبهه اسلامی وسیله تفرقه نیروهای خلق فلسطین و تضعیف پشتیبانی کشورهای ترقی‌خواه عرب از مبارزه خلق فلسطین نشود، با این امید که جبهه اسلامی در خدمت اهداف و روش‌های ناسالم سازمان امل و دیگر گروه‌های مشابه در سایر کشورها در نیاید و با این امید که جبهه اسلامی وسیله تقویت مواضع جبهه پایداری در برابر توطئه کمپ‌دیوید و دیگر جنایات ریگان و سادات و بگین گردد، با این امید که جبهه اسلامی به‌اتکای شناخت مثبتی که از ترکیب کابینه آقای باهنر و سیاست وزارت خارجه در دست است، دست دوستی همه دوستان انقلاب ایران و همه نیروهای ترقی‌خواه فلسطین و عرب‌بفشارد برای آن آرزوی موفقیت می‌کنیم.

گرامی باد خاطره تابناک صمد بهرنگی...

بقیه از صفحه ۲۰

از بوع امیرالیسم و رژیم وابسته به آن سرلوحه کار و زندگی خویش قرار داده بود. او شاگردان کلاس محقرش را و تمامی روزشایان و مردم محروم سرزمینش را دوست می‌داشت. با آنها و در میان آنها، در کلاس، مدرسه، مزرعه، قهوه‌خانه، مسجد، میدانچه ده و در کنار چشمه صیمانه و هدفمندانه شب و روز می‌گذراند. در عرصه واقفیت، ستم طبقاتی را تجربه می‌کرد. نسبت به استثمار کینه می‌ورزید و به اطرافیان خویش راه مبارزه را می‌آموخت. رفیق شهید اصغر عرب هرپسی هنگامی که نوجوان و شاگرد صمد بود در کنار یکی از این چشمه‌ها در اولین برخورد برای اولین بار از او آموخت که همه باید کار کنند، و استثمار دیگران غلط است و لباس آقاچلم را نباید مادر شاگردش بپوشید... صمد نه در گفته‌ها و نوشته‌ها که در کردار انقلابی خویش به شاگردان و اطرافیانش درس مبارزه می‌آموخت.

صمد، معلمی دلسوز و متعهد به خلق پیمان استوار وی با زحمتکشان میهنش از او هلمی متعهد ساخت. او به عنوان یک معلم برخورد مسئولانه و موشکافانه‌ای نسبت به همه مایل برخوردی و آموزشی داشت. او از دریچه آمال و منافع توده‌ها به آموزش و پرورش می‌نگریست. بنابراین پرورش و پرورش و فساد حاکم بر آموزش و پرورش، اهداف و شیوه‌های انحرافی آن، از همان بردن فرهنگ غنی خلق‌ها به منظور تحمیل فرهنگ استعماری و شکل و

محتوای کتب درسی، ورزش، مسائل صنفی مصلحان و... هیچ یک از چشمان تیز بین صمد دور نماند و با نقد آنها در نوشته‌هایش در واقع اساس نظام، مورد سؤال قرار گرفت. از صمد بسیار می‌توان آموخت از جمله این که طرح مشکل هیچگاه آخرین کار وی نبود. او در هر زمینه که توان داشت آنچه را به نظرش درست می‌رسید طراحی می‌کرد و ارائه می‌داد. همواره می‌گویند با جان‌مایه‌ای از کار و بی‌کارت بین واقفیت‌ها و ارزش‌های خویش پلی برقرار سازد. اگر به شیوه‌های نامناسب و وارداتی تعلیم و تربیت اعتراض داشت، کتاب الفبای فارسی او ارائه طرحی بود متناسب با نیاز بخشی از کودکان ایران که فارسی بلد نیستند.

اگر لگدکوب ساختن فرهنگ خلق‌ها را محکوم می‌کرد همراه رفیق مبارزش بهروز دهقانی به گردآوری فولکلور و افسانه‌های آذربایجان پرداخت و در برخی موارد افسانه‌هایی را که در میان خلق آذربایجان نفوذی عمیق داشت بازسازی نمود و به آن سمت و سوی علیه ظلم و استثمار بخشید.

صمد، هنرمندی خلاق و بی‌باک در خدمت زحمتکشان در عرصه هنر و ادبیات نیز اگر به ادبیات مبتذل و واقفیت گریز حاکم اعتراض داشت، در همان حال به عنوان هنرمندی واقع بین و جامعه گرا آثار هنرمندانه متعددی بخصوص برای کودکان نوشت و تأثیرات انقلابی عظیمی بر میلیون‌ها دانش‌آموز و معلم و خواننده

اتارش برجا گذاشت. این از خصوصیات بارز صمد بود که جوان هر رزمنده، مجرب به قهر علم مبارزه طبقاتی، با گذون هر روزهای به دنیای واقفیت‌ها دورنمای از راه‌های تغییر آن نیز ترسیم می‌کرد. او با زندگی پربراش نشان داد که نباید دست روی دست به انتظار شرایط مطلوب نشست. باید از سختی نهراسید و برای حل هر مشکل راهی یافت. چنین بود که صمد با همکاری رفقای شهید، تبادل و منافع فکری تهریزی از همه امکانات محدود آن زمان برای نشر افکار انقلابی خود استفاده محلی می‌کرد. در نشریات علمی، ماهانه و هفتگی که به‌وی‌اندکی مجال نشر افکارش را می‌داد با اسامی مستعار و در قالب داستان و نیز نقد اجتماعی و... مقاله می‌نوشت.

امروز صمد در وجود همه آنها که دل در گرو رهایی زحمتکشان دارند زنده است. صمد در وجود هزاران معلم متصدی که در کلاس و خارج از کلاس دفاع از انقلاب را داده‌اند زنده است. اگر چه ارزش صمد و صدای دیگر به درستی شناخته نشده است و هرچند که برخورد‌های متناقضی از سوی مقامات مسئول و غیر مسئول جمهوری اسلامی به این انسان‌های ارزنده شده است و حتی اخیراً نام صمد را از پارگی که به یاد وی "پارک صمد بهرنگی" می‌نامیدند برداشتن و امروز رهروان راه او از آسیب تنگ نظری‌ها مصون نمانده‌اند، اما رسالت مصلحان رهرو راه صمد از درجه سختی و آسانی خرابی بر نمی‌خیزد. این

کنفرانس اوپک، به خاطر سیاست ارتجاعی عربستان سعودی

بدون نتیجه پایان گرفت

هفته گذشته بار دیگر کنفرانس اوپک در ژنو برگزار شد. هدف از این کنفرانس کنترل تولید و تعیین قیمت واحد برای نفت صادراتی کشورهای عضو اوپک بود. در کنفرانس، بار دیگر زکی‌یمانی وزیر نفت دولت سرسبز عربستان سعودی به شدت با افزایش قیمت نفت و کاهش تولید عربستان سعودی مخالفت کرد. زکی یعنی برخلاف مقررات اوپک حتی حاضر نشد قیمت نفت صادراتی عربستان سعودی را به سطح قیمت صادراتی دیگر کشورهای عضو برساند. عربستان سعودی اینک مدت‌ها است که در مقام بزرگ‌ترین کشور صادر کننده نفت (۱۱ میلیون بشکه در روز) و سرسبزترین عامل امپریالیسم آمریکا می‌کشد با جلوگیری از افزایش قیمت نفت و افزایش بی‌رویه تولید خود از سوی دولت ترقی‌خواه و ضد امپریالیست را زیر قشار گذارد و از سوی توم ناشی از سرمایه‌داری غرب را به کشورهای عضو اوپک منتقل سازد. رژیم سلطنتی عربستان سعودی با این سیاست، سالیانه میلیاردها دلار ثروت مردم فقیر و ستم‌دیده خود را به جیب اربابان امپریالیسم آمریکا می‌ریزد و این در حالی است که مالک عربی سخت به این ثروت نیازمندند.

این سیاست ارتجاعی عربستان سعودی، مخالفت جدی گروه کشورهای ترقی‌خواه و ضد امپریالیست اوپک از جمله ایران رو به رو است. در کنفرانس اخیر اوپک به خاطر همین سیاست ارتجاعی عربستان سعودی، کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت و دولت‌های امپریالیستی غرب از این که عربستان بار دیگر توانسته است از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند ابراز شادمانی کردند. در این کنفرانس مهندس غرضی وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت داشت. نامبرده در این کنفرانس از موضع ایران

مبنی بر ضرورت کاهش و کنترل تولید نفت و جلوگیری از فشار رژیم‌های وابسته به امپریالیسم بر اوپک دفاع کرد. و پیشنهاد نمود که اوپک روی موارد زیر به گفتگو بنشینند.

- ۱- سطح تولید کشورهای عضو اوپک
- ۲- بهای فروش نفت صادراتی
- ۳- مابه‌التفاوت‌های ناشی از مرفوعیت و نزدیکی به بازار

وی اظهار داشت که هرگاه اوپک بر سر موارد فوق به وحدت نظر رسد، گام مهمی در حفظ منافع کشورهای عضو و انسجام اوپک برداشته است.

بقیه از صفحه ۱۲

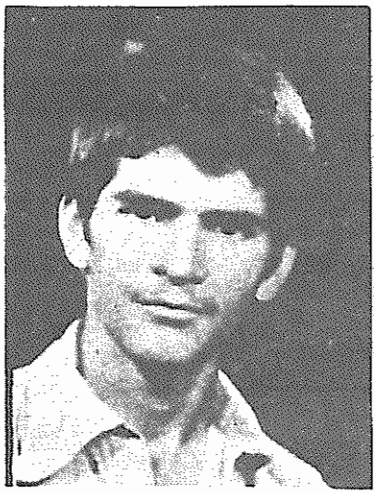
تجاوز به قلمرو...

تجاوزات مکرر امپریالیسم، از حضور فعال نظامی آن در منطقه و هدف‌های تجاوزکارانه آن گرفت این است که خلق ما باید برای دفاع از شرف و استقلال خود هر چه بیشتر و سریع‌تر آماده شود، که نباید گذاشت خطر آمریکا دست کم گرفته شود و

یا شعار مرگ بر آمریکا لحظه‌ای فراموش گردد. نباید گذاشت دشمن اصلی خلق‌های منطقه و جهان از زیر ضرب خارج گردد. باید توده‌های میلیونی مردم به فداکاری در راه انقلاب و ایستادگی در مقابل امپریالیست‌ها و نوکرانشان آماده باشند. باید توده‌های مردم آن‌چنان از انقلاب راضی و بدان امیدوار باشند که ایران را به گورستان تجاوزگران بدل سازند و این

در صورتی است که انقلاب به نیازهای اساسی توده‌های مردم پاسخ‌گویند، که توده‌های مردم عمیقاً در دفاع از انقلاب، آزادی و رهایی خویش را از ستم و استثمار امپریالیستی ببینند. چنین مردمی هرگاه در صفوف فشرده مبارزه متحد شوند، به درستی آموزش ببینند و در ارتش بیست میلیونی بسیج گردند، امپریالیسم آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

فدائی خلق: رفیق ابراهیم علا سوند در راه پیروزی انقلاب و رفع تجاوز رژیم صدام بشهادت رسید



مجددا عازم پادگان می‌گردد در حین بازگشت به پادگان در اثر انفجار گلوله تویی که از طرف متجاوزین شلیک و در نزدیکی آنها منفجر می‌شود، رفیق در خون می‌غلطد و در اثر شدت جراحات به شهادت می‌رسد.

چشمان باز رفیق ابراهیم که فروغ زندگی را از دست نداده بود، رفقاییش و عابرین و مردمی را که به دور او حلقه زده بودند، همچنان به مقاومت و مبارزه فرا می‌خواند.

راه رفیق ابراهیم و دیگر شهدای خلق، با عزم پولادین مردمی که در راه استقلال، آزادی و فردای ظفرنمون زحمتکشان پیکار می‌کنند، هموار می‌شود و یادشان جاودانه خواهد ماند.

ما خاطره تابناک رفیق شهید ابراهیم علا سوند را گرامی می‌داریم و به خانواده زحمتکش و داغدار رفیق و دوستان و هم‌زمانش درود می‌فرستیم و برای رزمندگان قهرمان جبهه‌ها آرزوی پیروزی می‌کنیم.

دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی از سنگر کارخانه و مزرعه و مدرسه و اداره و... به سنگرهای مقاومت شتافتند به مقابله با متجاوزین سرخاست و با شرکت در سازماندهی مقاومت مردم محلات و حفر سنگرهای دسته‌جمعی و توضیح حقانیت مقاومت توده‌ای، دین انقلابی خود را ادا نمود.

رفیق ابراهیم در همان روزهای نخستین جنگ تحمیلی تحت رهنمود سازمان با علاقه‌مندی به آموزش فنون جنگی مشغول شد و سایر دوستان و آشنایان خود را نیز به این کار تشویق کرد و در ضمن آموزش تقاضای اعزام به جبهه‌های مقاومت را نمود. بالاخره در پی مراجعات مکرر، مسئولین پادگان اهواز موافقت می‌نمایند که در مقابل ارائه کارت شناسایی و ثبت مشخصات او و سایر متقاضیان را به عنوان نگهبان بپذیرند. رفیق بلا غرور و شور وصفناپذیری به همراه رفقاییش به خانه برمی‌گردد و پس از برداشتن مدارک لازم

ستمکشان را اندوخت و در سالهای بعد آن را تبدیل به کینه سوزانی نسبت به رژیم ضد خلقی و وابسته شاه نمود. روزهای پرشکوه اوج‌گیری و پیروزی انقلاب خلق‌های قهرمان میهنمان را دید و با تمام وجودش در سختی‌ها و شادی‌ها شرکت نمود و پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن برای شرکت هرچه فعالیت در جدال تاریخی خلق و امپریالیسم به سازمان ما پیوست.

رفیق ابراهیم که در چند سال اخیر به همراه اعضا خانواده‌اش در شهر اهواز زندگی می‌کرد بعد از پیروزی انقلاب به همراه سایر رفقای هوادار سازمان و جوانان هم‌محل خود به انجام وظایف انقلابی خویش از توزیع کالاهای مورد نیاز مردم و برپایی تعاونی‌ها و شوراهای تلاش برای افشای خنثی‌سازی توطئه‌های امپریالیسم پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام به شهرهای جنوب کشورمان رفیق هم‌دوش همه مردمی که برای

عمر توطئه‌های تجاوز رژیم ضد مردمی صدام به میهن انقلابی‌مان در آستانه یک سالگی است و مردم قهرمان میهنمان در رزم مقاومت دلیرانه‌شان همچنان پا برجا ایستاده‌اند. میدان‌های پیکار در سطح وسیع و مناطق اشغالی هر لحظه شاهد حماسه‌آفرینی فرزندان جانباز خلق اعم از پاسداران سلحشور و سربازان و درجه‌داران و افسران میهن‌پرست و فدائیان خلق (اکثریت) و سایر نیروهای مردمی است در این شماره "کار" یاد رفیق رزمنده‌ای را گرامی می‌داریم که جان پاکش را بی‌باکانه در راه پیروزی انقلاب و دفع تجاوز امپریالیستی رژیم صدام فدا نمود.

رفیق ابراهیم علا سوند سال ۱۳۴۴ در یکی از روستاهای فقرزده مسجد سلیمان زاده شد. در همان جا با دیدن زندگی سراسر رنج و خون خانواده کشاورز خود و سایر زحمتکشان نخستین توشه درک شرایط غیر انسانی حاکم بر روابط ستمگران و

پیروز تر از گذشته‌ها می‌خواند.
این حنجره نجسته، چون می‌داند:
تاخنده آن سپیده، این جنبش خلق
می‌جوشد و می‌خروشد و می‌ماند

این بند از لایحه خصلت کاملاً ارتجاعی داده است، تبصره ۲ ماده ۲۳ است که می‌گوید:
عضویت در حزب رستاخیز به تنهایی موجب مجازات نخواهد بود" نکته وحشتناک این است که نویسندگان لایحه بین رستاخیزی‌ها و انقلابیون مارکسیست به سود طاغوتی‌ها تبعیض نهاده‌اند و آنان را در "خدمت به انقلاب و خلق" شایسته‌تر از مارکسیست‌ها معرفی می‌کنند. آئینده به این قضاوت لایحه بازسازی که تفتیش عقاید را برای داشتن شغل وسیله قرار داده است بر این قضاوت تنگ‌نظرانه و ارتجاعی که طاغوتیان را بر انقلابیون کمونیست مرجح شمرده است، با قاطعیت مهر بطلان می‌کوبد. (البته چنانچه خود مجلسیان این دو زنگار کهنه و تلخ را از چهره این لایحه نزدایند)

را زیر تیغ تصفیه بکشد لایحه عملاً دست مجری را بازگذاشته که هر فرد غیر مذهبی را که تمایل سیاسی داشته باشد، از حق داشتن کار دولتی محروم کند. توصیه کنونی ما به نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی آن است که هنگام رای دادن به لایحه بازسازی به‌ویژه هنگام رای دادن به ماده ۱۸ روح تلگرام اخیر آیت‌اله منتظری به نخست‌وزیر را در نظر آورند. ایشان در تلگرام خود می‌گویند:
"به نظر این‌جانب خط امام بهترین و اصیل‌ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیت‌ها ملاک قرار داد و نباید هیچ‌گروه و جمعیتی انقلاب را میراث انحصاری خود بدانند" و متأسفانه ماده ۱۸ درکی کاملاً بیگانه از این سخن ارائه می‌دهد از این بدتر آنچه به

پاسداری می‌کنند، حق داشتن شغل آموزگاری یا سایر خدمات دولتی را ندارند. تنظیم کنندگان ماده ۱۸ آن را با زرنگی خاصی تحریر کرده‌اند که معلوم نشود قصد ایشان همان تفتیش عقاید بوده است. متن ماده ۱۸ طوری تنظیم شده که در برابر اعتراضات مردم بگویند: "عضویت در احزابی که گویا نافی ادیان الهی هستند " جرم" است نه داشتن عقاید غیرمذهبی. اولاً طبق کدام قانون عضویت در چنین احزابی جرم شناخته شده است؟ ثانیاً، با اینکه "نفی ادیان الهی" مطابق اساسنامه و مرامنامه هیچ‌یک از احزاب مارکسیست - لنینیست شرط عضویت نیست با این همه بند ۱ ماده ۱۸ طوری تنظیم شده است که دست مجری را باز بگذارد. که این صدیق‌ترین یاران انقلاب

بقیه از صفحه ۳
تعرض قرار داد " (ماده ۲۳ قانون اساسی) اما لایحه بازسازی به این اصل مهم قانون اساسی رسماً گستاخی کرده است.
بند ۱ ماده ۱۸ لایحه بازسازی دقیقاً به این خاطر تدوین شده است که به هیات‌های بدوی و تجدیدنظر عملاً اجازه دهد که انقلابیون مارکسیست را به بهانه مارکسیست بودن از دستگاه دولتی و موسسات وابسته اخراج کند. ماده ۱۸ مشخصاً تأکید بر عقیده مردم دارد نه بر عمل آنها. ماده ۱۸ در واقع می‌گوید حتی بهترین فرزندان انقلابی خلق هم که هم اکنون در جبهه‌های جنگ با ریختن خون خود از میهن انقلابی خویش

سه انتقاد...

است که لایحه مشخصاً سمت تفتیش عقاید دارد و این صفت از قضا در آن کاملاً بارز است. آن هم تفتیش عقاید به سود طاغوتیان و علیه انقلابیون مارکسیست. و این است دو انتقاد جدی و اصولی دیگر به لایحه بازسازی.
در تمام دنیا، در تمامی کشورهای که قانون اساسی رسمی دارند، هیچ کجا، هیچ کسی را به جرم داشتن عقاید، از داشتن این یا آن شغل محروم نکرده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً می‌گوید:
تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید★

محدودیت فعالیت سیاسی سازمانهای مدافع انقلاب را از میان بردارید

چگونگی برخورد دولت آقای باهنر با مسئله آزادی‌های سیاسی و گام‌های عملی که در این راه برخواهند داشت، یکی از معیارهای مهم مردم برای قضاوت درباره عملکرد کابینه ایشان است.

در صفحه ۱۵

پاداش افزایش تولید، کارائی شعارافزایش تولید را افزون‌تر می‌کند

در صفحه ۶

تظاهرات اعتراض آمیز زنان مبارز تهران در برابر سفارت انگلستان

یکشنبه هفته پیش تعدادی از زنان مسلمان و مبارز تهران به نشانه اعتراض به سیاست‌های ضد انسانی و وحشیانه دولت مارگارت تاچر و نخست‌وزیر انگلستان در برابر سفارتخانه انگلیس در تهران دست به تظاهرات زدند در این تظاهرات زنان تهران حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات مردم ایرلند و ایرلندی را به خانواده وی رنگین پوستان انگلیس و مردم قهرمان ایرلند تبریک اعلام داشته و قطع‌نامه‌ای و تسلیت گفته و از همه در ۵ ماده انتشار دادند در قطع‌نامه شرکت‌کنندگان به‌ویژه زنان مبارز انگلیس در تظاهرات ضمن محکوم ساختن "اعمال خائنانه و سرکوب‌گرانه دولت ضد - انسانی مارگارت تاچر و سایر عمال انگلیس" انگلستان را شدت بخشیدند. شهادت نهمین مبارز

بقیه در صفحه ۱۷

اعلامیه اتحادیه زنان عراق

هم‌پیمانی رژیم فاشیستی عراق با ارتجاع عرب و هماهنگی

با امپریالیسم امریکا

کنگره چهارم اتحادیه زنان عراق که در اواخر ژوئیه ۱۹۸۱ در بغداد تشکیل گردید با موفقیت به کار خود پایان داد. کنگره اعلامیه‌ای خطاب به افکار عمومی عراق و همچنین پیامی خطاب به زنان آواره عراقی صادر نموده که در زیر آنها را می‌خوانید:

گرامی باد
خاطره
تابناک
صمد بهرنگی



معلم و نویسنده انقلابی

به هردیاری سفر کردم ،
دیوان را به تنگ آوردم
به نقل از "درباره حماسه
کوراوغلو"

که ندای بیداری سرمی‌داد و
سرود آزادی می‌سرود .
او صمد بهرنگی بود .
کمتر کسی است که در
ایران با کتاب سروکار
داشته باشد و صمد را نشناسد
و کمتر کسی است که مردم را
از صمیم قلب دوست داشته
باشد و آرمان‌های صمد و
مبارزه وی در راه تحقق آنها
را گرامی بشمارد .

صمد مبارزی انقلابی و
خستگی‌ناپذیر
صمد، قبل از هر چیز
رزمنده‌ای سیاسی بود که
رهائی خلق‌های تحت ستم را
بقیه در صفحه ۱۸

در سال‌های سیاه
دیکتاتوری ، هنگامی که
خفقان، فضای ایران را سنگین
کرده بود و مبارزات
آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه
توده‌های مردم با فشار و
سرکوب رویارو بود ، هنگامی
که وابستگی رژیم منحنط
پهلوی به امپریالیسم جهانی
به سرکردگی آمریکا با
اصلاحات "شاهانه" به
تعمیق می‌رفت و همزمان با
آن به منظور ایجاد پذیرش
و تحمیل وابستگی در میان
اقشار وسیع مردم ، فرهنگ
استعماری از راه‌های گوناگون
مانند رسانه‌های همگانی ،
مدارس و ادبیات فرمایشی
نفوذ داده می‌شد تا مردم را
در جهل و بی‌خبری نگه‌دارد ،
در روستاهای آذربایجان ،
در میان توده‌های زحمتکش،
معلمی در تلاش و تکاپو بود

با رسیدگی به وضعیت دامداران
عشایری جلوری و جمع‌آوری بگ‌گیرندگان

در صفحه ۹

در صفحه ۱۱

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر